

اندیشه‌های نوین تربیتی

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

دانشگاه الزهراء

تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۱۶

تاریخ بررسی: ۸۹/۱۱/۲۰

دوره ۸، شماره ۲

تابستان ۱۳۹۱

صص ۱۹۸-۱۵۵

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۱۲

تبیین پیامدهای جهانی شدن اقتصادی بر اهداف علمی و آموزشی مقطع متوسط آموزش و پرورش ایران

یدمدرا دلخوش قدم نو*، ید صاحب موسوی**، ید روح‌الشهبانی*** و ممدی بجان‌نژاد****

چکیده

این پژوهش به تبیین و بررسی پیامدهای جهانی شدن اقتصاد بر اهداف آموزش و پرورش ایران با تأکید بر اهداف علمی و آموزشی مقطع متوسطه اقدام کرد. روش اجرای پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی بود. برای گردآوری داده‌های لازم برای پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش کلیه منابع و مراجع مرتبط، با استفاده از فرم گردآوری داده‌ها و یافته‌ها به شیوه کیفی تحلیل شد. یافته‌های به دست آمده در پیامدهای جهانی شدن اقتصادی برای اهداف علمی و آموزشی دوره متوسطه آموزش و پرورش ایران مواردی چون: تغییر رویکردهای آموزشی با توجه به جهانی شدن اقتصادی، متناسب کردن کارکردهای نظام آموزشی و بازار کار، فناوری اطلاعات و ارتباطات و آموزش‌های علمی، گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و توجه به ارتباط بین تحصیل با شرایط واقعی دنیای کار، افزایش ارتباطات تجاری و آموزش زبان، فرآیند یادگیری دانش و کاربردی کردن آن در جامعه است. نتایج این پژوهش مرتبط با اهداف مصوب آموزشی مقطع متوسطه آموزش و پرورش از جمله داشتن اطلاعات کافی در حوزه‌های مختلف علوم طبیعی، اجتماعی، انسانی، آشنایی با زبان خارجی برای ارتباط با دیگران، مهارت استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی برای کسب اطلاعات صحیح، کسب مهارت‌های لازم برای زندگی و کار و تحصیلات بالاتر، به خدمت گرفتن فناوری‌های مناسب در علوم و انجام دادن کارها، انتخاب شغل با توجه به توانایی‌های خود و نیاز جامعه است.

کلید واژه‌ها

جهانی شدن؛ جهانی شدن اقتصادی؛ اهداف علمی و آموزشی؛ مقطع متوسطه؛ آموزش و پرورش ایران

* نویسنده مسئول: کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد تهران

mirsadra3727@gmail.com

** کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد تهران

*** دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تهران

**** دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد تهران

مقدمه

جهانی شدن فرآیند پیچیده‌ای است که فقدان درک صحیح و تعریف مشترک از این مفهوم زمینه‌ساز مباحث متعددی شده است، به گونه‌ای که بر مبنای تلقی‌های مختلف و تعاریف گوناگون، نظریه‌های متعددی ارائه شده است. «در سطح تحلیل کلان، مارتین آلبرو، جهانی شدن را به فرایندهایی که بر اساس آن تمام مردم جهان در یک جامعه فراگیر جهانی به هم می‌پیوندند تعریف می‌کند» (گوهری مقدم، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷).

از نظر آنتونی گیدنز جهانی شدن؛ فشرده شدن مناسبات اجتماعی جهانی است به گونه‌ای که محل‌های جداگانه را چنان به هم پیوند می‌زند که حوادث محلی به واسطه حوادثی شکل می‌گیرد که کیلومترها دور از آن رخ می‌دهد و بالعکس (رابرتسون، ۱۳۸۰). آنتونی مک‌گرو، جهانی شدن را این‌گونه تعریف می‌کند: در جهانی شدن الگوی فعالیت‌های مختلف بشری به سوی فرا قاره‌ای و بین منطقه‌ای شدن در حرکت است. او همچنین معتقد است جهانی شدن در تمام حوزه‌های زندگی مدرن در ابعاد مختلف ظهور و بروز دارد. از این رو جهانی شدن یک فرایند چند بعدی است (گرو، ۱۹۹۵).

جهانی شدن امروزه به یکی از اصطلاحات متداول در حوزه‌های مختلف تبدیل شده است و ذهن بسیاری از پژوهشگران عرصه‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ را به خود مشغول کرده است. فرایند در حال رشد شکل‌گیری کنوانسیون‌ها و عهدنامه‌های بین‌المللی، نزدیک شدن مقررات کشورها به یکدیگر، تشکیل پیمان‌ها و اتحادیه‌های گوناگون در اروپا و سایر کشورها، سیطره جهانی قوانین بین‌المللی، گشایش بازارهای جهانی، افزایش شدید رقابت‌های بین‌المللی و گسترش بی‌سابقه دانش و فناوری موجب ایفای نقش روزافزون شرکت‌های بزرگ فراملیتی در زمینه‌های اقتصادی، بازارهای جهانی و رسانه‌های گروهی جهان و حتی در عملکرد مراکز گوناگون علمی و آموزشی شده است (لطف آبادی و نوروزی، ۱۳۸۳).

کار به جایی رسیده که امروز، در همه جای جهان، هر کودکی که به کودکان یا دبستان می‌رود، هر نوجوان و جوانی که در مدرسه یا دانشگاهی درس می‌خواند، و هر فردی که چشم و گوش خود را به این یا آن رسانه می‌سپارد یا کتاب و روزنامه‌ای می‌خواند، متأثر از دانش و

فناوری و هنر و تبلیغات و برنامه‌های گوناگون جهانی است. پژوهش‌های علمی نیز مؤید این حقیقت است (ادواردز و آشر^۱، ۱۹۹۷؛ گرین^۲، ۱۹۹۷؛ مارگینسون^۳، ۱۹۹۹؛ هنری^۴ و همکاران، ۲۰۰۱؛ فالک^۵، ۲۰۰۲؛ و برک^۶، ۲۰۰۳).

در ارتباط با جهانی شدن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که هر یک بر ابعادی متمرکز شده‌اند. باومن، جهانی شدن را در قالب نظم جدیدی موسوم به «بی‌نظمی نوین جهانی» تعریف می‌کند (باومن، ۱۳۷۹، ص ۴۸). بسیاری همچون رابرتسون، بر این باور هستند که ما در عرصه جهانی شدن، شاهد تقویت هویت‌های محلی در کنار رشد هویت جهانی هستیم. او این نظم را به عنوان «نظم جهانی - محلی» یاد می‌کند (کیانی، ۱۳۸۰، ص ۲۹). به عبارت دیگر، حرکت‌هایی همچون واگرایی، محلی‌گرایی، پاره‌افزایی و استقلال‌طلبی، روندی مکمل جهانی شدن هستند (واترز^۷، ۲۰۱۰، ص ۶۷). در واقع، جهانی شدن فرایندی تک بعدی و محدود در یکی از ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نیست؛ بلکه این پدیده فرایندی منسجم و یکپارچه است که در تمامی عرصه‌های اجتماعی رسوخ کرده است (کیانی، ۱۳۸۰، ص ۲۹)..

ما در واژه جهانی شدن با فرایند «شدن» سرو کار داریم، فرایندی که بسیاری از پدیده‌ها را دستخوش تغییر، تبدیل و تأثیرپذیری کرده است (بوربج^۸، ۲۰۰۹، ص ۱۴). گفته می‌شود که جهانی شدن اولاً روندی اجتناب‌ناپذیر است، ثانیاً پدیده‌ای منتج از برخی تحولات تاریخی است، ثالثاً این فرایند به صورت یک وضعیت پایدار باقی نمی‌ماند و عاقبت خود وارد مرحله دیگری می‌شود که برخی از آن به عنوان یکپارچگی جهانی یاد می‌کنند (راگمن و ویربک^۹، ۲۰۱۰، ص ۳۶). جهانی شدن پدیده‌ای تناقض‌نما است که با مفاهیم دوگانه‌ای همچون جهانی - محلی، منطقه‌گرایی، جهان‌گرایی و همگرایی - واگرایی همراه است (کال^{۱۰}، ۲۰۰۷، ص ۶۵).

1. Edwards & Usher
2. Green
3. Marginson
4. Henry
5. Falk
6. Birkhead
7. Waters
8. Burbach
9. Rugman & Verbeke
10. Kaul

کشورهایی که روند جهانی شدن را درک کرده باشند و سازوکارهای آن را بشناسند، می‌توانند جایگاه مناسبی برای خود در نظام جهانی پیدا کنند. جهانی شدن پدیده‌ای چند بعدی و تسری‌پذیر در ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فناوری است (مالک، ۱۳۸۴، ص ۲۳). در بین ابعاد جهانی شدن بعد اقتصادی آن نمود بیشتری داشته است. جهانی شدن اقتصاد به مفهوم یکپارچگی جهانی بازار کار، خدمات، سرمایه و تحرک نیروی کار و نیز گشودن مرزها بوده و بازارهای مالی و تجارت جهانی بیش از پیش ادغام می‌شوند. بنگاه اقتصادی سرمایه‌داری برای پرکردن موقعیت‌ها و فرصت‌های جدید سودآوری، دستیابی به منابع کلیدی مرتبط با تولید و عوامل ارزان قیمت از جمله نیروی کار و سرمایه، تمایل به گستراندن فعالیت‌های خود در سطح جهان را دارد. افزایش ارتباط اقتصادی میان کشورها، از میان برداشته شدن موانع انتقال پول، اطلاعات و تکنولوژی به ماوراء مرزها، ادغام بازارهای بین‌المللی، جهانی شدن اقتصاد را تحمیل کرده‌اند (رحیمی و شکاری، ۱۳۸۶).

در اساسی‌ترین سطح، جهانی شدن تغییرات ساختاری است که در فرآیند تولید و توزیع اقتصاد جهانی رخ می‌دهد. تغییرات ساختار مذکور به دلیل واکنش‌هایی است که، بسیاری از شرکت‌های جهانی در مواجهه با فشارهای فوق‌العاده و فرصت‌های خارق‌العاده‌ای نشان می‌دهند که تقاضای روزافزون و فناوری‌های اطلاعاتی در درون فرآیند تجارت ایجاد می‌کند. شرکت‌ها با کاربرد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، توانایی رفع تأثیر مکان، زمان و فاصله را می‌یابند. این جنبه جهانی شدن مستلزم توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی است. در سطح ثانوی جهانی شدن در همه ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرآیندهایی تأثیر می‌گذارد که از این تجدید ساختار جهانی پدیدار می‌شوند. مسأله خطیر در این بین، نقش مهم دانش، تعلیم و تربیت و یادگیری در کامیابی جامعه اطلاعاتی جهانی و اقتصاد اطلاعات جهانی است (وود، ۲۰۰۰).

هالاک، توصیه می‌کند جایی که مدیریت از بالا به پایین به وسیله شبکه تغییر یافته است، جایی که اطلاعات از طریق کانال‌های چندگانه و غیر رسمی عبور می‌کند، فعالیت‌های نوآورانه از اطلاعات بسیار مهم‌تر تلقی می‌شوند، راهبردها پیچیدگی خاصی دارند، قلمرو بازارها از عرصه‌های ملی فراتر رفته است، باید آموزش و پرورش به افراد کمک کند (هالاک، ۱۹۹۸).

شکی نیست که وجهه اصلی جهانی شدن و آنچه مایه موافقت و مخالفت‌ها است وجهه

اقتصادی آن است و از این رو لازم است ابتدا با سرچشمه‌های اقتصادی آن آشنا شویم. جهانی شدن در واقع بخشی از فرآیند تاریخ تکامل اجتماعی است و به‌زعم عده‌ای ناشی از ماهیت ذات رشد سرمایه، تلاش آن برای بقاء و کسب بازارهای جدید و سودآور و نیاز به صدور سرمایه از بازارهای اشباع شده به بازارهای بکر و بالقوه است (قاسمی، ۱۳۸۰).

جهانی شدن بر جوانب گوناگون زندگی تأثیر می‌گذارد. این تأثیر نه فقط بر اقتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه بر فرهنگ‌ها و نظام‌های آموزشی و هویت مردمان نیز هست. برنامه‌ریزی ثمربخش و نوآوری در آموزش و پرورش زمان ما نمی‌تواند بدون توجه دقیق و عمیق به تأثیرات جهانی شدن در تعلیم و تربیت کشورهای ما رخ دهد. سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در آموزش و پرورش نیازمند یافته‌های روشن پژوهشی درباره مفهوم جهانی شدن و چگونگی و میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم آن بر جوانب گوناگون برنامه‌ها و کارکردهای آموزش و پرورش است (لطف آبادی و نوروزی، ۱۳۸۳). کارنوی (۱۹۹۹، ص ۹) بیان می‌کند که این تأثیرات، بدون شک، نقش بزرگی در تغییر برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی داشته و دارد. خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و تجاری کردن مدیریت و امور مالی در تعلیم و تربیت تأثیر منفی و مخربی بر ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی و پرورشی برای همگان به جای گذاشته است. همچنین کارنوی (۱۹۹۹، ص ۶۸) می‌نویسد واقعیت‌ها نشان می‌دهند که اقدامات خصوصی‌سازی تعلیم و تربیت اساساً در خدمت نظام جهانی‌سازی است.

کریمی (۱۳۸۶)، در پژوهش خود، مهم‌ترین کاستی‌های نظام آموزشی ما را در شرایط جهانی شدن، سنتی بودن، مقاومت در برابر تغییر، فقدان انعطاف و انطباق پذیری آن با شرایط جدید و تحولات جهانی می‌داند. سجادی (۱۳۸۴)، در پژوهش خود به دنبال بررسی اثرات و پیامدهای جهانی شدن بر اهداف، محتوا و ساختار تعلیم و تربیت بوده است. او مهم‌ترین پیامدهای جهانی شدن بر تعلیم و تربیت را این‌گونه عنوان می‌کند: کاهش میزان کنترل مدارس بر آموخته‌ها و کیفیت و جهت‌گیری‌های آموزشی و تربیتی با ظهور رسانه‌های پیشرفته، کاهش حضور عوامل انسانی در امر تعلیم و تربیت به خاطر ظهور و غلبه تکنولوژی‌های جدید آموزشی، تغییر جهت‌گیری‌های برنامه‌های تربیتی از بلند مدت به کوتاه مدت، کاهش میزان اختیار تصمیم‌گیری‌های آموزش محلی و ملی و جایگزینی مراکز تصمیم‌گیری فراملی یا جهانی.

صبوری خسرو شاهی، (۱۳۸۴)، معتقد است که یک رابطه دو طرفه و متقابل بین جهانی شدن و آموزش و پرورش است. زارعی (۱۳۸۲)، همچنین معتقد است که جهانی شدن به لحاظ سرعت بیشتر گسترش علم، ایجاد برابری میان همه افراد برای یادگیری، توسعه وسایل کمک آموزشی و ترویج فرهنگ جهانی نقش مثبتی در آموزش و پرورش ایفا می‌کند. کاگرن^۱ (۲۰۰۳)، در پژوهشی دریافت که جهانی شدن پدیده‌ای خیلی واقعی است. سیستم اقتصادی جهانی تولید، توزیع و دیگر فرایندهای تجاری و بازرگانی را شامل می‌شود، که می‌تواند نظام تعلیم و تربیت را تغییر دهند. پژوهش‌های اینگلهارت (۲۰۰۰) حاکی از تغییرات عظیم در ارزش‌های مردم جهان به دلیل هجوم جهانی‌سازی است. این پژوهش‌ها بیان‌کننده تحولی نظام‌دار در ارزش‌ها و باورهای مردم جهان و بازتاب تغییرات اقتصادی و فناوری‌های صنعتی و نقش رسانه‌های مسلط جهانی در گسترش ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی غربی و به‌طور کلی، پدیده جهانی شدن و جهانی‌سازی است.

واکر^۲ (۲۰۰۱)، در مقاله خود آورده است که آموزش مناسب در عصر جهانی شدن آموزشی است که در عین اینکه افراد را مفتخر به ملیت و ارزش‌های فرهنگ بومی می‌کند، افراد جامعه را به صورت اعضای مطمئن جامعه بین‌المللی تربیت می‌کند. برای این کار آموزش و پرورش باید روحیه تحمل، تفاهم و احترام به اختلاف فرهنگ‌ها را در جوانان جامعه ایجاد و تقویت کند.

اسمیت^۳ (۲۰۰۰) در پژوهش خود بیان کرده است جهانی شدن باعث رواج مدرنیسم عقلایی می‌شود و فردگرایی را تضعیف می‌کند که اثرات آن در آموزش و پرورش مشهود است.

در سال‌های اخیر ایده جهانی شدن اهمیت ملاحظه‌پذیری در تفکر آموزشی پیدا کرده است. هم سیاست‌گذاران و هم نظریه‌پردازان هر دو به دنبال راه‌ها و روش‌هایی برای فهم تأثیر جهانی شدن بر آموزش و پرورش هستند و اینکه آموزش و پرورش از طریق آن عکس‌العمل نشان دهد. سازمان‌های بین‌المللی به‌طور خاص جهانی شدن را پدیده‌ای کلیدی تلقی می‌کنند

-
1. Cogh burn
 2. Walker
 3. Smith

که از طریق آن اقتصاد کلان، تغییرات فرهنگی و سیاسی، ضرورت جامعه انسانی در ابتدای قرن بیستم را اجرا کنند. شواهد مختلف حاکی از آن است که این پدیده تهدیدات و فرصت‌های زیادی به دنبال دارد. پس برای تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها باید اقدامات زیادی در زمینه سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش انجام شود (لینگارد^۱، ۲۰۰۰).

جهانی شدن در مقیاس وسیعی، اهداف سنتی نظام تعلیم و تربیت و خود مجموعه تعلیم و تربیت را به چالش فراخوانده است. مهم‌ترین عنصر نظام تعلیم و تربیت، جهت‌گیری‌های اساسی و بنیادین جامعه هستند که در شکل اهداف متبلور می‌شوند و نشأت گرفته از تبیین‌های مکاتب فکری و نظام‌های ارزشی و عقیدتی جوامع هستند که در حال حاضر توسط پدیده جهانی شدن و حواشی آن یعنی تحولات اجتماعی، علمی و تکنولوژیکی به چالش فراخوانده شده‌اند. پژوهش حاضر ضمن شناساندن این اهداف و به چالش کشیدن آن‌ها توسط پدیده نوظهور جهانی شدن، نیاز به تجدید ساختار و تعریف دوباره اهداف را نمایان می‌کند و راهکارهایی ارائه می‌دهد.

آموزش و پرورش به‌منظور فراهم کردن شرایط و زمینه‌های شکوفایی استعدادها و کودکان و نوجوانان اهدافی را در سطوح و ابعاد مختلف تعیین و تنظیم می‌کند و برای اجرای این اهداف برنامه‌ای را تنظیم و اجرا می‌کند. در این پژوهش اهداف سطوح علمی و آموزشی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران بررسی می‌شود.

بنابراین، در پژوهش حاضر این مسأله مطرح می‌شود که بعد اقتصادی جهانی شدن چه پیامدهایی بر اهداف علمی و آموزشی مقطع متوسطه در کشور ایران دارد؟

جهانی شدن

جهانی شدن به تشدید روابط اجتماعی در سطح سرتاسر جهان اشاره دارد، زیرا مکان‌های دور از هم را چنان به هم مرتبط می‌کند که اتفاقات هر محل، زاینده حوادثی است که کیلومترها دورتر به وقوع می‌پیوندد. به عبارت دیگر، جهانی شدن ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای است که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کم رنگ کرده، ارتباطات را گسترش داده و تعامل فرهنگ‌ها را افزون کرده است. در واقع پدیده جهانی شدن بیان‌کننده نوعی پراکنش کروی

(اندیشه، کالا و غیره) است (سالزانو، ۲۰۰۳، ص ۴۵). رابرتسون^۱ معتقد است که جهانی شدن عبارت است از «در هم فشردن جهان و تبدیل آن به مکان واحد جهانی؛ این پدیده علاوه بر اینکه یک فرایند است، به‌عنوان یک چارچوب مفهومی نیز با انگاره یا سازمان جهانی سر و کار دارد» (رابرتسون، ۱۳۸۰، ص ۱۳۰). بر این اساس هاروی^۲ معتقد است «با فشردگی و کوچک شدن فضا، نطفه فرایند جهانی شدن بسته می‌شود» (کوهن و کندی، ۲۰۰۰، ص ۲۶).

به اعتقاد واتزر^۳ جهانی شدن فرایند اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی حاکم بر روابط اجتماعی و فرهنگی از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده‌ای از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند (واتزر، ۱۳۷۹، ص ۱۲). آنتونی گیدنز^۴ جهانی شدن را در هم تنیدگی رویدادها و روابط اجتماعی سرزمین‌های دوردست با تار و پود موضعی یا محلی جوامع دیگر می‌داند؛ پدیده‌ای که می‌توان آن را نوعی تلاقی حاضر و غایب دانست (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۴۲). مانوئل کاستلز^۵ با اشاره به عصر ارتباطات، جهانی شدن را ظهور نوعی شبکه می‌داند که در ادامه سرمایه‌داری، پهنه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را در بر می‌گیرد (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۳۰ - ۲۷).

می‌توان گفت نگرش‌های متفاوتی نسبت به ماهیت این پدیده وجود دارد که به طور کل به سه دسته تقسیم‌پذیر است.

جهانی شدن به مثابه یک فرآیند: طرفداران این نظریه بر این باور هستند که جهانی شدن فرایندی خود پیشرونده است که طی آن یک شهروند، جهت‌گیری کشور خود را مشخص می‌کند. در این دیدگاه، جهانی شدن یک بازی مجموع صفر نیست و برد یک طرف، باخت طرف دیگر به شمار نمی‌رود، بلکه فرایندی است که از طریق گسترش ارتباطات و اطلاعات و در نتیجه فروریزی دیوارهای طبیعی و فاصله‌های زمانی و مکانی، به پیش می‌رود.

جهانی شدن به مثابه یک پروژه: در این دیدگاه، جهانی شدن پروژه‌ای دقیق و طراحی شده است که با هدف بسط و تحمیل گفتمان مسلط بر جهانی که عمدتاً غربی طراحی شده و

1. Robertson
2. Harvey
3. watzer
4. Anthony Giddens
5. ManuelCastells

مجریان آن، همه قدرت‌های مسلط و صاحبان ثروت هستند، با تکیه بر انقلاب اطلاعات و فشرده‌گی زمان و مکان، در پی رسیدگی به اهداف خود از طریق از بین بردن فرهنگ‌ها، ارزش‌های ملی و حیات مستقل اقتصادی کشورهای جهان سوم هستند.

جهانی شدن به مثابه یک پدیده: دسته‌سومی از نظرات هم وجود دارد که معتقدند؛ جهانی شدن نه یک فرآیند بی‌طرفانه محض است و نه یک پروژه‌عامدانه محض، بلکه چیزی است میان این دو. طبق این نگرش جهانی شدن ماهیتی پدیده‌گونه دارد، پدیده‌ای که به دست بشر ایجاد شده است (نصری، ۱۳۸۰).

درباره جهانی شدن در آثار صاحب‌نظران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل مخصوصاً رئالیست‌ها، لیبرال‌های جدید و تحلیل‌گران سیستم جهانی مدرن بحث شده است. از دیدگاه واقع‌گرایان^۱ (رئالیست‌ها) جهانی شدن هنوز به تغییر و تحول اساسی در جهان سیاست منجر نشده است. از نظر آن‌ها، جهانی شدن باعث توسعه حاکمیت و اقتدار کشورهای قوی و تضعیف حاکمیت و سلطه کشورهای در حال توسعه شده است.

پیروان نظریه لیبرالیسم از قوی‌ترین طرفداران نظریه جهانی شدن هستند. صاحب‌نظران پیرو این مکتب، تأکید بیشتری بر نقش نهادها و رژیم‌های بین‌المللی^۲ دارند. این نهادهای بین‌المللی، شکل دهنده چهارچوب کلی نظامی بین‌المللی هستند که در تحلیل نهایی، به حاکمیت جهانی^۳ منجر خواهد شد. در مقایسه نظریات وابستگی متقابل و جهانی شدن، تشابه‌های بین این دو تفکر کاملاً مشهود است (نهادیان، ۱۳۸۵).

ظهور نظریه سیستم جهانی مدرن^۴، متأثر از تغییرات و تحولات مهم در دهه ۱۹۷۰، از جمله بحران‌های نفتی^۵ و کاهش تنش^۶ بین شرق و غرب است. یکی از بنیانگذاران این نظریه، امانوئل والرشتین^۷ که نظریه او دارای خصیصه‌هایی چون، ارتباط کلیه اجزای یک سیستم با هم است. در طی تاریخ، سیستم جهانی به صورت‌های سیاست جهانی (امپراتوری‌ها) و اقتصاد

-
1. Realists
 2. International Regimes
 3. Global Governance
 4. The Modern World System
 5. Oil shocks
 6. Deyents
 7. Emanuell Wallerstein

جهانی ظاهر شده است، اما در مقایسه با سیستم‌های جهانی قدیم، به علت تکامل سرمایه‌داری، سیستم جهانی جدید نیروی تهاجمی بیشتری دارد. شایان ذکر است که در سال‌های اخیر والرشتین علاوه بر عوامل اقتصادی، به ابعاد فرهنگی و به‌ویژه به اهمیت عامل فرهنگی لیبرال در سیستم جهانی جدید اشاره می‌کند (نهایندیان، ۱۳۸۵).

در کل می‌توان خصوصیات عمده جهانی شدن را شامل مواردی چون، حاکم شدن تمدن الکترونیک در جهان، ارتباطات متقابل فرهنگ‌های مختلف جهان، نظم‌دهی مجدد زمان و مکان، تشدید روابط بین‌المللی و باز شدن مرزها، جهانی شدن به‌عنوان یک فرایند، جهانی شدن به‌عنوان ایدئولوژی و جهانی شدن به‌عنوان یک پدیده دانست (عالی، ۱۳۸۲).

جهانی شدن اقتصادی

جهانی شدن در اساسی‌ترین سطح خود به تغییرات ساختاری در فرآیندهای تولید و توزیع اقتصاد جهانی اطلاق می‌شود که این تغییرات بازتاب بسیاری از اقدامات جهانی هستند که با فشارهای گسترده و فرصت‌های فوق‌العاده ناشی از به‌کارگیری روز افزون و یکپارچه اطلاعات پیشرفته و فناوری ارتباطی در درون فرایندهای تجاری (تولید، بازاریابی و توزیع) عرضه می‌شود (کاگبرن^۱، ۲۰۰۳). یکی از ابعاد جهانی شدن، بعد اقتصادی آن است. آنتونی مک‌گرو خاطر نشان می‌کند «جهانی شدن اقتصاد به معنای تحولی ژرف در اقتصاد جهانی، ایجاد یک بازار مشترک جهانی و نابودی دولت - ملت‌ها به‌عنوان موجودیت‌های اقتصادی می‌باشد» (بهکیش، ۱۳۸۰ ص ۲۴). «جهانی شدن اقتصاد بارزترین و مشخص‌ترین نمونه جهانی شدن به شمار می‌رود. به عبارت دیگر جهانی شدن در بعد اقتصادی از گستردگی، سرعت و عمق بیشتری برخوردار است» (حاجی یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۱). «جهانی شدن اقتصاد بر ماهیت بی‌مرز بودن جریان‌های اقتصادی تأکید می‌ورزد و بر تبدیل شدن جهانی، به‌ویژه اقتصاد جهانی به یک واحد همگرا شده تأکید می‌کند» (اخوان زنجانی، ۱۳۸۱، ص ۷۲).

در عرصه اقتصاد، جهانی شدن به معنی همگون‌سازی قیمت‌ها، تولیدات، دستمزدها و دارایی‌ها و نرخ‌های بهره و سود است که در سراسر جهان میل به یکی شدن دارند. از جمله علائم جهانی شدن اقتصاد تشدید روابط اقتصادی و تجارت بین‌المللی است.

باوجود این، وقتی جهانی شدن در جنبه اقتصادی صورت می‌گیرد، به واسطه آن شرکت‌های داخلی کمرنگ‌تر شده و شرکت‌های بین‌المللی جایگزین آن خواهند شد، تولید کالا نیز به جای مصرف کشوری، مصرف بین‌المللی پیدا می‌کند. بدین ترتیب ضرورت در سطح بین‌المللی، تغییرات اساسی و کلی در نظام فنی و حرفه‌ای کشور ایجاد می‌کند (جوادی، ۱۳۸۲).

در ادبیات جهانی شدن از چهار متغیر عمده به‌عنوان پایه‌های اساسی یا تأثیر فرایندهای جهانی شدن اقتصاد یاد می‌شود. این متغیرهای اصلی عبارت هستند از: «جهانی شدن تجارت، جهانی شدن تولید، جهانی شدن فن‌آوری و رشد سرمایه‌گذاری خارجی» (غلامپور، ۱۳۸۴، ص ۲۳۱).

سرمایه‌گذاری‌های روزافزونی که با گشوده شدن بازارهای مالی سراسر جهان انجام می‌شود، باعث افزایش ادغام‌های اقتصادی و تشکیل اتحادیه‌های منطقه‌ای شده است. به عقیده کرک پاتریک: بین‌المللی شدن فعالیت‌های اقتصادی پدیده جدیدی نیست. اما رشد همگرایی و یکپارچگی بین‌المللی، از لحاظ کیفی با گسترش اولیه تجارت کاملاً تفاوت دارد، چرا که ویژگی آن تشدید پیوندهای اقتصادی - اغلب در سطح کارکردی - در ورای مرزهای ملی است (کومسا، ۱۳۷۸، ص ۱۸۲).

در سال‌های اولیه همگرایی اقتصادی میان کشورها، تجارت بین‌المللی و کاهش موانع بازرگانی، در ادغام اقتصادی جهان نقش اصلی را به عهده داشته‌اند، در حالی که در اقتصاد جهانی امروز، بازیگران اصلی، شرکت‌های چند ملیتی و بازارهای بزرگ مالی و سرمایه‌ای هستند که سهم عظیمی از تولید جهانی را در اختیار خود دارند. بعد اقتصادی جهانی شدن، به این دلیل اهمیت دارد که در نظام سرمایه‌داری که سودای رهبری جهان کنونی را در سر دارد، سیاست و فرهنگ تا حد زیادی تحت تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی قرار دارند و برنامه‌ریزی‌های این دو حوزه، چنان است که روند شکوفایی تجارت و رونق بازارها و جذب حداکثر سود تسهیل شود.

«بهاگواتی» معتقد است جهانی شدن اغلب به کاهش فقر، برابری زنان و مردان و برقراری نظام دموکراتیک منجر می‌شود. او معتقد است مخالفان جهانی شدن، نگرش‌های ایدئولوژیکی ضد سرمایه‌داری، ضد امپریالیسم و ضد شرکت‌های بزرگ و انحصارها دارند (سودرستن،



(۱۳۸۴). این گروه به مزایای باز بودن اقتصادها و رشد از طریق افزایش بازرگانی و داد و ستد اعتقاد دارند، از این رو همه کشورهای را دعوت می‌کنند تا از تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی به مثابه فرصت برای رشد و توسعه بهره‌گیرند. این اندیشه منطق نولیبرالی را می‌پذیرد و نابرابری را پیامد اجتناب‌ناپذیر افزایش کارایی می‌داند (آدامز، ۲۰۰۸؛ میلز ۲۰۰۹). در بعد اقتصادی (که اصولاً محور اصلی جهانی شدن با فرآیند اقتصادی است)، موارد زیر را می‌توان بررسی کرد:

- ۱- گسترش مبادلات اقتصادی
- ۲- از بین رفتن مسأله گمرک و کنترل بر محصولات، کاهش موانع و تعرفه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری
- ۳- تبادل و تعدیل در فعالیتهای اقتصادی
- ۴- سرمایه‌گذاری مشترک
- ۵- توسعه بازارهای جهانی، رشد سریع کشورهای در حال توسعه و تأثیر آنها بر ظرفیت تولید جهانی و نوآوری‌های فنی و ارتباطات سریع‌تر در سطح جهانی (مهر علی زاده، ۱۳۸۳).

ولی آثار و پیامدهای جهانی شدن اقتصاد عبارت هستند از:

- ۱- افزایش رقابت: از مهم‌ترین پیامدهای جهانی شدن اقتصاد، افزایش رقابت در سطح بین‌المللی اقتصاد است، زیرا در این شرایط است که، همواره با کاهش هزینه‌های حمل و نقل، رشد حیرت‌انگیز تکنولوژی اطلاعات، گسترش روزافزون تجارت الکترونیکی و به حداقل رسیدن محدودیت‌های جغرافیایی فعالیتهای اقتصادی بنگاه‌های اقتصادی، کلیه بازارهای جهانی را بازار بکر می‌دانند و بدان چشم دارند، این شرایط است که، به رشد رقابت بین آنها منجر می‌شود و کارایی اقتصاد بین‌المللی را افزایش می‌دهد.
- ۲- وابستگی بیشتر اقتصاد کشورها: از طرف دیگر جهانی شدن باعث وابستگی بیش از پیش اقتصاد کشورهای جهان به یکدیگر شده است. به طوری که اقتصادهای جهان چنان به هم گره خورده‌اند که نفوذ بحران در یکی از کشورها، به سرعت باعث ایجاد بحران‌های مشابه در سایر کشورهای جهان می‌شود.

۳- به چالش کشاندن دولت‌ها: از طرف دیگر، به دنبال این مهم، قدرت کنترل دولت‌ها در اقتصادهای ملی و بازارهای ملی به شدت کاهش می‌یابد. چرا که در این راستا قوانین و مقررات ملی به تدریج جای خود را به قوانین و مقررات بین‌المللی می‌دهند و به تبع آن سازمان‌های بین‌المللی عهده‌دار بسیاری از وظایف سازمان‌های ملی در کشورها می‌شوند.

۴- گسترش تقسیم کار بین‌المللی: از طرف دیگر جهانی شدن اقتصاد و کاهش قدرت کنترل دولت‌ها در اقتصاد ملی و بازارهای ملی باعث حاکمیت قوانین و مقررات بین‌المللی و از میان برداشتن بسیاری از موانع تجاری در زمینه نقل و انتقالات سرمایه و گسترش تقسیم بین‌المللی کار می‌شود.

۵- گسترش صنعت جهانگردی: گسترش ارتباطات باعث شده تا شناخت مردم از یکدیگر افزایش یابد و انگیزه برای جهانگردی بیشتر شود. به همین دلیل صنعت جهانگردی در دهه گذشته افزایش یافته است و به یکی از بخش‌های مهم بازرگانی خارجی تبدیل شده است، طوری که درآمدهای ناشی از جهانگردی در دنیا روز به روز در حال افزایش است (کازرونی، ۱۳۷۸).

۶- گسترش حجم تجارت جهانی: میزان تجارت جهانی در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ از ۶۸۹۷ میلیارد دلار به ۱۰۶۶۶ میلیارد دلار رسیده که بیان‌کننده رشد ۵۴ درصدی در این دوره است.

۷- افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از ۲۵۶ میلیارد دلار از ۱۹۹۴ به ۸۶۵ دلار در ۱۹۹۹ رسیده است (جعفری، ۱۳۸۰).

در کل می‌توان خصوصیات اقتصاد جهانی شدن را شامل جهانی شدن بازارهای مالی، جهانی شدن استراتژیک شرکت‌ها در درون یک بازار رقابتی، انتشار تکنولوژی همراه با فرایند پژوهش و توسعه در سطح جهان، شکل‌گیری الگوهای مصرف جهانی همراه با بازارهای مصرفی جهانی، جایگزین شدن توان نظم بخشیدن به اقتصاد ملی توسط اقتصاد سیاسی جهانی، کاهش نقش دولت - ملت در طراحی قوانین تدبیر جهانی، افزایش شکاف‌های طبقاتی در درون جوامع اعم از توسعه‌یافته یا در حال توسعه و حاشیه‌ای‌تر شدن جوامع کمتر توسعه‌یافته دانست (رحیمی و شکاری، ۱۳۸۶).

جهانی شدن اقتصادی و آموزش و پرورش

جهانی شدن آن طور که استرومکوویست و مانکن^۱ (۲۰۰۰، ص ۲۱ - ۶) می‌نویسند؛ پدیده‌ای است که جوانب گوناگون زندگی فرهنگی اعم از دانش، آموزش رسمی، آموزش عالی، مطالعات زنان، آموزش بزرگسالان، هویت و سبک زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تغییراتی که جهانی شدن در زندگی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی مردم به بار می‌آورد، عمیقاً بر آموزش و پرورش و عناصر آن (شامل دانش‌آموزان) تأثیر می‌گذارد. این تأثیر هم در تعریف آموزش و پرورش، هم در اینکه آموزش و پرورش در خدمت چه کسانی قرار می‌گیرد، و هم درباره چگونگی سنجش و ارزشیابی آموزش و پرورش مشاهده می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آموزش و پرورش جهانی شده، هم در کشورهای پیشرفته صنعتی و هم در کشورهای در حال توسعه، در خدمت طبقات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاصی قرار می‌گیرد (لطف آبادی و نوروزی، ۱۳۸۳).

در هر جامعه‌ای، آموزش و پرورش، رشد و پرورش کودکان و نوجوانان را، از لحاظ گوناگون علمی، اخلاقی، کسب مهارت‌های علمی و حرفه‌ای، بر عهده دارد. آموزش و پرورش به منظور فراهم کردن شرایط و زمینه‌های شکوفایی استعدادها، کودکان و نوجوانان، اهداف و برنامه‌هایی را تعیین و تنظیم می‌کند و برای اجرای برنامه‌های خود روش‌هایی را اتخاذ می‌کند. در هزاره سوم ما با پدیده جهانی شدن مواجه هستیم که در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مطرح است. یکی از حوزه‌هایی که جهانی شدن آن را متأثر می‌کند و آن را در شرایط تازه‌ای قرار می‌دهد که نیازمند تحول و تغییر باشد، حوزه آموزش و پرورش است که در دوره‌های مختلف آموزشی مطرح می‌شود (ناصری پور، ۱۳۸۵).

هر چند سابقه طرح آموزش و پرورش را می‌توان در اندیشه‌های سبسون و ابن‌خلدون مشاهده کرد، اما کمینوس (۱۰۹۲-۱۶۷۰) اولین بار موضوع آموزش و پرورش جهانی را طرح کرد. چون در زمان خود، شاهد حوادثی تلخ چون اختلافات قبیله‌ای و فرقه‌های مذهبی بود، بحث آموزش جهانی را مطرح کرد (حسینی، ۱۳۸۴). کمینوس به بیداری عقل اجتماعی آدمیان

و اصلاح جامعه بشری فکر می‌کند و آموزش و پرورش دموکراتیک و انسانی را بهترین وسیله این بیداری می‌داند. او در این زمینه بیان کرده است: علم تربیت مانند علوم دیگر از راه تجربه و تعقل مریبان تمام کشورها و مبادله تجارب میان آن‌ها تکامل می‌یابد (کاردان، ۱۳۸۱).

جهانی شدن پدیده‌ای است که بروز آن در عصر حاضر موجب تغییر و تحولات بسیاری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در عرصه بین‌الملل شده و کشورهای بسیاری را به چالش می‌کشد و محیط یگانه‌ای را برای کلیه کشورهای جهان به وجود می‌آورد که در آن پیوندهای بین‌المللی به حداکثر خواهد رسید. در این محیط یگانه، قوانین، جهان شمول است و جامعه جهانی باید از آن تبعیت کند (نورانی، ۱۳۷۹).

جهانی شدن تمام شئون زندگی و معرفت بشری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ولی کاربرد آن بیشتر در حوزه اقتصادی بوده است که در این رابطه می‌توان گفت که «جهانی شدن در وهله اول یک بحث تعلیم و تربیتی نیست و بیشتر جنبه اقتصادی آن مطرح بوده است، ولی به هر انگیزه‌ای که باشد در نهایت، دامن همه حوزه‌ها را خواهد گرفت. هم در مسائل سیاسی، هم در مسائل فرهنگی و هم تربیت دینی و هم در تعلیم و تربیت» (باقری، ۱۳۸۰).

بوربولز و توررز^۱ تأثیرات جهانی شدن بر آموزش و پرورش را بر سه بخش اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تقسیم می‌کنند که در سطح اقتصادی به دلیل اینکه جهانی شدن اشتغال را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بر یکی از اهداف اولیه و سنتی آموزش و پرورش یعنی آمادگی کار، اثر می‌گذارد. مدارس نه تنها دانش‌آموزان را تولیدکننده تربیت می‌کنند، بلکه به‌طور فزاینده محیط مدرسه ملاحظه‌پذیری را در تمایلات و اهدافشان نمایان می‌کنند. در سطح کلی‌تر تأثیرات اقتصادی، جهانی شدن سیاست آموزش ملی را به سمت یک چارچوب نئولیبرال جهت می‌دهد که به مالیات‌های پایین‌تر، کوچک‌تر شدن بخش دولتی و انجام‌دادن کار بیشتر با هزینه کمتر تأکید کرده و رویکردهای بازاری و تجاری را برای مدارس ترویج می‌دهد.

آموزش و پرورش در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی به توسعه همه جانبه توانایی‌های دانش‌آموزان اقدام می‌کند. بنابراین، آموزش و پرورش می‌تواند هوش دانش‌آموزان را در این پنج جنبه توسعه دهد:

هوش یادگیری: به چگونگی یادگیری و تفکر خلاقانه و انتقادی اقدام می‌کند. هوش فناورانه: به توانایی چگونگی توسعه‌دادن، هماهنگی و بهره‌برداری از فناوری‌های نوین مربوط می‌شود.

هوش اقتصادی: به توانایی چگونگی اقتصادی فکر کردن، عمل کردن و مدیریت کردن و حداکثر بهره‌برداری از منابع اشاره دارد.

هوش اجتماعی: به توانایی چگونگی اجتماعی فکر کردن، عمل کردن و توسعه روابط بین انسانی مربوط می‌شود.

هوش سیاسی: به توانایی سیاسی فکر کردن، عمل کردن و مدیریت منابع و منافع متضاد اشاره دارد.

هوش فرهنگی: به توانایی تفکر فرهنگی و عمل کردن، مدیریت امکانات جدید فرهنگی و تحقق ارزش‌های تازه مربوط می‌شود (چنگ، ۲۰۰۲).

آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از عرصه‌های مهم اجتماعی هم می‌تواند از پدیده جهانی شدن تأثیر پذیرد و هم بر آن تأثیر بگذارد. افزایش گسترده جهانی شدن اقتصاد و بازسازی نظام اقتصادی، سیاسی دنیا و تقاضا برای دانش و اطلاعات، نیازهای آموزشی را از ابعاد مختلف همچون ساختار، کنش، برنامه درسی و رویکردها در سطوح مختلف از ابتدائی تا متوسطه متأثر ساخته و تغییر داده است (توانا، ۱۳۸۴).

جهانی شدن و اهداف آموزش و پرورش

یکی از مقوله‌های آموزش و پرورش فرآیند یاددهی- و یادگیری است که در رأس آن یادگیرنده قرار دارد و همه فعالیت‌ها، از قبیل تأمین معلم و مواد درسی و وسایل آموزشی برای او انجام می‌گیرد. با ظهور تکنولوژی الکترونیکی، مانند رایانه و اینترنت، قراین مذکور متحول شده و مباحثی چون آموزش مجازی تا آموزش الکترونیکی، آموزش از راه دور، پست الکترونیکی به سرعت گسترش یافته است. همچنین امروزه یادگیرندگان با استفاده از اینترنت با معلمان در سراسر دنیا ارتباط برقرار کرده و محتوی آموزشی را از راه‌های گوناگون دریافت می‌کنند و یادگیری دیگر مختص کلاس درس و کتاب نمی‌شود، از طرف معلم انجام نمی‌شود، تعامل معلم و شاگرد یک طرفه نیست و ارزشیابی به امتحان با کاغذ و مداد محدود

نیست (خسروی و ابراهیمی، ۱۳۸۲).

در شرایط جهانی شدن مدرسه به‌عنوان یک محیط آموزشی به یک چهار دیواری به نام کلاس درس دارای محدودیت‌های زمانی و مکانی محدود نیست. در این شرایط به مدارس بدون حصار نیازمند است. به طوری که این مدارس با جامعه، مؤسسات اطراف خود و با زندگی مردم، مراکز تولیدی و رسانه‌ها در ارتباط هستند. همچنین این مدارس با کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، خطوط تولیدی، موزه‌ها ارتباط برقرار می‌کنند و از تجربه‌های بشری و تربیتی در سراسر جهان استفاده می‌کنند. ضمناً در این مدارس به زندگی و نیازهای اجتماعی در آموزش توجه خواهد شد (بهاء الدین، ۱۳۸۴).

هدف کلی آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای این است که هر فرد را طبق الگوی اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی، دینی، اجتماعی و سیاسی خود تربیت کند و انسانی متناسب و شایسته آن جامعه تحویل دهد. بر همین اساس، هر جامعه‌ای از انسان مطلوب خود تصویری دارد و معنا و غایت معینی برای آموزش و پرورش قائل است. به این دلیل می‌کوشد افراد خود را بر اساس این تصور و معنا تربیت کند. بنابراین، تعیین هدف‌ها مستلزم ملاحظات فلسفی، دینی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. با توجه به این تعریف، رابطه مستقیم و هماهنگ میان جامعه و آموزش و پرورش وجود دارد. با عنایت به نیاز آموزشی انسان برای فرهنگ‌سازی و تمدن، این سازمان، جزئی از این کل ارگانیک است. پس باید گفت که همراه تغییر جهان‌بینی‌ها، فرهنگ‌ها و اعتقادات گوناگون انسان، اهداف آموزش و پرورش نیز تغییر خواهد کرد. با همه این احوال، جهانی شدن جوامع را به اشکال گوناگون تحت تأثیر قرار داده است و نوعی تغییر در بینش دینی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها به وجود آورده است که از طرفی منطبق با زمان و مکان و همچنین فراتر از آن است. پس می‌توان این‌گونه بیان کرد که در حال حاضر و با توجه به جهانی شدن مکان و زمان، اهداف آموزش و پرورش نیز بر طبق اصول زیر تغییر یافته است:

۱- آموختن و فراگرفتن از حالت خشک و انفعالی یکسویه خارج شده است و به صورت کنش چند سویه میان دانش‌آموزان و پرورشکاران پی‌ریزی و استوار شده است. یادگیرندگان در فراگرد یادگیری نقشی کوشاتر پیدا کرده‌اند و در تعیین و تعبیه مواد درسی، اثر درخور توجه به دست آورده‌اند.



۲- مهارت‌های ادراکی پیچیده، اهمیتی در خور توجه یافته است و کوشش می‌شود ناتوانی‌های تفکر انتقادی، پرسش‌کردن، جستجوکردن، اندیشیدن مجرد و پدیدآوردن و سنجیدن کودکان و نوجوانان با مشارکت و درگیری ذهنی و عملی آن‌ها پرورش یابد.

۳- همه هستی انسان کانون توجه پرورش‌کاران قرار گرفته است و ابعاد عاطفی، عقلی، جسمی و اخلاقی در پیوندی سازگار با هم و در پاسخ به نیازهای فردی و خواسته‌های اجتماعی پرورش می‌یابد.

۴- یادگیری وسیله‌ای است که در راه خدمت به زندگی و گشودن دشواری‌های واقعی و افزایش شوق و تعهد استوار می‌شود و موضوعات کهنه، مرده و نامرتبط به زندگی از درون نظام آموزش و پرورش خارج می‌شود.

۵- گذشته، حال و آینده به صورت پویا و معنادار به هم مرتبط می‌شوند و از پیوند سازنده آن‌ها راه پدید آمدن گزینه‌های درست برای آینده همواره می‌شود.

۶- دامنه ارتباط آموزش و پرورش با مردم گسترده می‌شود و فراگرد مشارکت و پیام‌رسانی میان آموزشگاه با جامعه گسترده‌تر می‌شود و به صورت قانونی، آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان وظیفه مشترک بین آموزشگاه و خانواده به شمار می‌آید.

۷- سرانجام، ساختار آموزشگاه‌ها کوچک و پر نرمش می‌شود و از دشواری‌های بزرگ کاسته می‌شود. کوچک شدن آموزشگاه از پیوندهای عاطفی و شناسایی فردی سرشار می‌شود، لذا این فرآیند که در بعضی کشورهای جهان در حال تکامل است، به نظر می‌رسد الگوهای مناسبی برای پیشرفت و ترقی در کشورهای جهان سوم باشد (عالی، ۱۳۸۲).

مقطع متوسطه

بسیاری از انتظارات و انتقادهای نظام‌های رسمی و تعلیم و تربیت بر آموزش متوسطه متمرکز است. آموزش متوسطه از یک طرف، دروازه ورود به ترقی اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود و از طرف دیگر، آن را متهم می‌کنند که راهی است باز، اما نابرابر و غیرکافی به دنیای بیرون؛ و به‌طور کلی نه تنها سد راه آمادگی نوجوانان برای تحصیلات عالی می‌شود،

بلکه اجازه نمی‌دهد آن‌ها برای ورود به دنیای کار آماده شوند. به علاوه گفته می‌شود که مطالب آموخته شده در دوره متوسطه بی‌ربط هستند و در آن‌ها توجه کافی به اکتساب استعدادها و ارزش‌ها نمی‌شود. به طور کلی چنین نتیجه گرفته می‌شود که برای رسیدن به رشد اقتصادی، میزان چشمگیری از جمعیت باید از آموزش متوسطه بهره‌مند باشد. بنابراین، مشخص کردن ملزومات آموزش متوسطه در آماده‌سازی جوانان برای آینده مفید خواهد بود. توجه به یادگیری به‌عنوان فرآیندی که در تمام طی زندگی ادامه دارد، ما را وادار می‌کند که درباره محتوای و سازمان آموزش متوسطه تجدید نظر کنیم. نیازهای بازار کار، فشاری ایجاد می‌کند که باعث افزایش سال‌های مدرسه می‌شود. با در نظر گرفتن نسبت‌های نام‌نویسی در سطح جهان، آموزش متوسطه بخشی از آموزش‌های رسمی است که به لحاظ گسترش، سریع‌ترین بخش به شمار می‌آید.

آموزش متوسطه از طریق سه اصل به متن آموزش مداوم پیوند می‌خورد. ۱- تنوع دوره‌ها، ۲- افزایش تأکید بر تناوب تحصیل و کارهای حرفه‌ای و اجتماعی و ۳- تلاش در جهت بهبود کیفیت آموزش (گزارش کمیسیون بین‌المللی آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم به یونسکو، ۱۳۷۶). آموزش و پرورش متوسطه مرحله‌ای از آموزش و پرورش است که طی آن دانش‌آموزان جوان به افراد مستقل و مسئول مبدل می‌شوند. در این مقطع دانش‌آموزان علم و مهارت لازم را برای ورود به زندگی آینده کسب می‌کنند (یونسکو، ۱۳۶۶).

دوره متوسطه انتقال میان کودکی و جوانی است. یک دوره میانی که به واسطه بسیاری از فشارهای روانی، جسمانی و مشکلات سازگاری، ویژگی‌های خاصی را به نوجوان و جوان می‌بخشد. این دوره در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، منبع اصلی تولید نیروی انسانی نیمه ماهر است.

این دوره ممکن است از سه جهت دوره انتقالی باشد:

- انتقال از آموزش عمومی، همگانی و غیر تخصصی به آموزش دانشگاهی، تخصصی خاص عده‌ای محدود.
- انتقال از محیط آموزشی به محیط کار و زندگی.
- انتقال از دوره میان کودکی که نیازهای فرد تحت نظر و مراقبت دیگران تأمین می‌شود و جوانی و بلوغ که به فرد استقلال و قبول مسئولیت می‌دهد.

مقطع متوسطه دوره آموزشی و پرورشی است که بعد از تمام کردن دوره ابتدایی آغاز می‌شود (فرمehنی فراهانی، ۱۳۷۸). بنابراین، می‌توان گفت: دوره متوسطه دوره‌ای است که، در آن دانش‌آموزان گروه سنی چهارده الی هفده یا هجده ساله تحصیل می‌کنند و به دلیل تنوع برنامه‌ها و تعدد رشته‌های تحصیلی، فرصت انتخاب دارند (صافی، ۱۳۷۹).

اهداف علمی و آموزشی دوره متوسطه در کشور ایران

نهاد تعلیم و تربیت از جمله نهادهایی است که به علت سر و کار داشتن با انسان و ناشناخته بودن جنبه‌های شخصیتی او و تأثیر آن‌ها بر همدیگر بسیار پیچیده جلوه کرده است. نهاد تعلیم و تربیت عناصری مثل اهداف، روش‌ها، محتوا، ارزشیابی و برنامه درسی دارد که ساختار نظام تعلیم و تربیت را تشکیل می‌دهند و بر حسب اهداف تعریف و تعبیه شده‌اند. اهداف تعلیم و تربیت از نیازهای متعدد یک جامعه و افراد آن جامعه نشأت می‌گیرند. غیر از نیازها که انسان‌ها در طی زندگی اجتماعی برای رفع آن تلاش کرده‌اند و این نیازها بوده‌اند که فکر بشر را به چالش فرا خوانده‌اند، آنچه توانسته هدف‌گزینی را در حوزه تعلیم و تربیت تحت تأثیر قرار دهد، آرمان‌های اجتماعی یا آرمان‌های مکاتب فکری بشری بوده‌اند که بر جامعه حکومت داشته‌اند.

در راستای رسالت و مأموریت آموزش و پرورش و جهت‌دهی به رشد همه جانبه دانش‌آموزان بر پایه تعالیم و دستورات دین مبین اسلام، اهداف دوره متوسطه به شرح زیر تعیین می‌شود. مدیران و برنامه‌ریزان و همه افرادی که در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان نقشی بر عهده دارند، مکلف هستند در برنامه‌ریزی امور، سازماندهی فعالیت‌ها و انجام دادن وظایف مربوط به گونه‌ای اقدام کنند که تا پایان دوره تحصیلی دستیابی دانش‌آموزان به اهداف تعیین شده ممکن باشد.

اهداف علمی و آموزشی دوره متوسطه

- ۱- پدیده‌های ساده علمی، تجربی و محیطی و ارتباط آن‌ها را درک می‌کند.
- ۲- در حوزه‌های علوم طبیعی، اجتماعی و انسانی اطلاعات کافی دارد و می‌تواند در زندگی از آن‌ها استفاده کند.
- ۳- کتاب‌های نوشته شده به زبان فارسی را روان می‌خواند و به این زبان خوب تکلم

می‌کند.

۴- آیین نگارش فارسی را می‌داند و می‌تواند به این زبان، نامه، گزارش و مقاله بنویسد.

۵- در استفاده از ریاضیات برای حل مسائل خود و جامعه مهارت دارد.

۶- زبان عربی را در سطح درک معنی برخی از سور قرآن و احادیث و اذکار نماز و

دعاهای متداول می‌داند؛ و از دانش خود در زبان عربی برای فهم بهتر متون ادب

فارسی استفاده می‌کند.

۷- با حداقل یک زبان خارجه در حد توانایی ارتباط با دیگران آشنایی دارد.

۸- ارزش اطلاعات همه جانبه و صحیح را می‌داند و در استفاده از ابزارهای جدید

ارتباطی مهارت دارد.

۹- برای زندگی و کار در جامعه و تحصیل در دوره‌های بالاتر، مهارت‌های لازم را دارد.

۱۰- با اعتقاد به تأثیر علم در انجام‌دادن درست کارها، فن آوری مناسب را به خدمت

می‌گیرد.

۱۱- با توجه به توانایی‌های خود و نیاز جامعه، می‌تواند انتخاب شغل کند.

۱۲- جریان یادگیری خود را هدایت می‌کند.

۱۳- به تفکر و مباحثه علاقمند است و با روش پژوهش آشنایی عملی دارد (دبیر خانه

شوری عالی آموزش و پرورش ایران، ۱۳۸۵).

روش

روش اجرای پژوهش، توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی بود. برای گردآوری داده‌های لازم

برای پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش کلیه منابع و مراجع مرتبط با استفاده از فرم گردآوری

داده‌ها تحلیل و یافته‌ها به شیوه کیفی تحلیل شده است. به دلیل کیفی و نظری بودن پژوهش،

جامعه آماری اعداد و ارقام نیست، بلکه با جامعه متنی مواجه بوده‌ایم که شامل کلیه کتب،

رساله‌ها و پایگاه‌های الکترونیکی در دسترس بود و سعی شد تا جایی که امکان دارد از منابع

دست اول (زبان اصلی) و در درجه دوم، از ترجمه‌ها استفاده شود. روش نمونه‌گیری هدفمند

بود که در آن با توجه به موضوع مورد پژوهش، منابع انتخاب شدند تا بتوانند به سؤالات

پژوهش ما، پیرامون جهانی شدن و تأثیر آن بر اهداف آموزش و پرورش و اهداف علمی و

آموزشی مقطع متوسطه جواب‌گو باشند. بنابراین، به صورت هدفمند منابع دسته اول و دوم انتخاب شده است. با توجه به اینکه پژوهش از نوع کیفی یا نظری و کتابخانه‌ای است، ابزار اصلی عبارت از فرم فیش برداری (دستی و دیجیتالی) بود.

یافته‌ها

تأثیر جهانی شدن اقتصادی بر اهداف علمی و آموزشی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران

بنابراین، با توجه به موارد مطرح شده و نمود بیشتر جهانی شدن اقتصادی و تأثیر آن بر فرایند تعلیم و تربیت در بخش‌های مختلف اهداف، محتوا و روش‌ها، پیامدهای جهانی شدن اقتصادی بر اهداف علمی و آموزشی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران بررسی شد:

۱- تغییر رویکردهای آموزشی با توجه به جهانی شدن اقتصادی

امروزه بحث جهانی شدن که بیشتر یک موضوع اقتصادی است، برای جوامع در حال توسعه و اقتصادی نیمه پویا، به بروز چالش‌هایی منجر شده است. این شرایط در تمامی ارکان جامعه تأثیرگذار است از جمله برای آموزش و پرورش و نظام تعلیم و تربیت، مسائل جدیدی از قبیل تغییرات سریع برنامه‌ها، بازسازی برنامه‌ها، انتقال انبوه دانش‌های قدیم و جدید، مسائل مدیریت و سازماندهی را به وجود آورده است.

در آموزش و پرورش جهانی در بحث آموزش جدید، به جای تکیه بر روش‌های سنتی حافظه‌پروری، به روش‌های پژوهش و حل مسأله توجه می‌شود و فراگیران را به مهارت‌های تصمیم‌گیری و مواجهه با مسائل پیچیده زندگی مجهز می‌کند. در رویکرد جدید، مهارت‌های اطلاعاتی و ارتباطی جزء مهم‌ترین اهداف تعلیم و تربیت قلمداد می‌شود و به جای تکیه بر تمرکز در برنامه‌ها و یکسان‌سازی، به تفاوت‌ها احترام گذارده می‌شود. همچنین در رویکرد جدید با توجه به رشد اقتصادی، انقلابی در یادگیری رخ می‌دهد و رسانه‌هایی چون تلویزیون، رادیو، کامپیوتر و اینترنت از طریق آموزش از راه دور بر جریان اطلاعاتی کنترل و نظارت دارند. اندیشمندان تعلیم و تربیت معتقد هستند که هنر آموزش زمانی شکوفا و پویا خواهد شد که یک ابزار بیانی و رساندن پیام برای نیل به هدف‌های آموزشی در اختیار معلمان باشد (میرحسینی، ۱۳۸۳).

با توجه به گذر از یکسان‌سازی روش‌های سنتی، تأکید بر تفاوت‌ها در رویکردهای جدید، استفاده از امکانات بالای ارتباطی و آموزشی و کسب اطلاعات و دانش در حداقل زمان و هدایت آن توسط خود و استفاده از آن‌ها در زندگی می‌توان گفت که مطالب فوق مرتبط و متناسب با اهداف شماره ۱۳-۱۲-۱۰-۸-۲ علمی و آموزشی مقطع متوسطه از جمله داشتن اطلاعات کافی در حوزه‌های مختلف علوم طبیعی، اجتماعی، انسانی و استفاده از آن‌ها در زندگی، مهارت استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی برای کسب اطلاعات صحیح، به خدمت گرفتن فناوری‌های مناسب در علوم و انجام‌دادن کارها، هدایت یادگیری خود و آشنایی عملی با روش‌های پژوهش، تفکر و مباحثه است.

۲- متناسب کردن کارکردهای نظام آموزشی و بازار کار

نظام‌های آموزشی اگر بخواهند خود را با تحولات بنیادی جامعه امروز هماهنگ کنند، نیازمند الگوهای نوین و خلاق آموزشی هستند تا دانش‌آموزان را برای مقابله با بحران‌های زندگی و بهره‌گیری از فرصت‌ها و توانایی‌ها در بازار کار و خلاقیت‌های خویش آماده کنند (حسینی، ۱۳۸۴).

امروزه دارا بودن اطلاعات، آگاهی و تحول و نوآوری از عوامل اصلی پیشرفت تلقی می‌شود و شکی نیست که بین تحقق این پیشرفت‌ها و کارکرد نظام‌های آموزشی نسبت منطقی وجود دارد. از مدارس نیز انتظار می‌رود تا توجه خود را معطوف به تحویل فارغ‌التحصیلانی کنند که در زمینه علوم و فنون، تولید نرم‌افزاری و برآورده ساختن نیازهای بازار، کارایی داشته باشند. طراحی آموزش و پرورش در فرایند جهانی شدن از این جهت اهمیت دارد که رقابت اساسی در عرصه‌ها، آموزش عمومی به‌عنوان مبنایی برای ورود به دوره‌های تخصصی و نیز تولید علم به وقوع می‌پیوندد (چنگ، ۲۰۰۲). طرفداران جهانی شدن تعلیم و تربیت با طرح این سه نکته که مدارس ما باعث ناکامی فرزندان ما می‌شود و فارغ‌التحصیلان مدارس مهارت‌های لازم را برای ایجاد شغل و کار ندارند و این که ایجاد کار برای فرد دارای تخصص بالا مشکل است، بر این راهکار تأکید می‌کنند که تعلیم و تربیت عمومی باید سه هدف عمده را دنبال کند.

اولین هدف، وفاداری ایدئولوژیکی فراگیران به نظریه تجارت آزاد جهانی با توجه به حفظ

محیط زیست، حقوق مشترک و نقش دولت است. دومین هدف، راهیابی بازار کار به قلب و ذهن دانش‌آموزان و بستن قراردادهای پر سود در رابطه با تعلیم و تربیت است؛ و سومین هدف هم تبدیل مدارس به مراکز آموزشی است که نیروی کار مناسب با نیاز شرکت‌های فراملی، تولید کنند (اسمیت، ۱۹۹۹).

با توجه به اینکه در شرایط جهانی شدن آموزش نیز باید خود را با شرایط خاص از جمله کاربردی بودن آن و متناسب بودن با بازار کار و تولید و خدمات هماهنگ کند. می‌توان گفت که مطالب فوق مرتبط و متناسب با اهداف شماره ۱۱-۱۰-۹-۲ علمی و آموزشی مقطع متوسطه از جمله داشتن اطلاعات کافی در حوزه‌های مختلف علوم طبیعی، اجتماعی، انسانی و استفاده از آن‌ها در زندگی، کسب مهارت‌های لازم برای زندگی و کار و تحصیلات بالاتر، به خدمت گرفتن فناوری‌های مناسب در علوم و انجام دادن کارها و انتخاب شغل با توجه به توانایی‌های خود و نیاز جامعه است.

۳- فناوری اطلاعات و ارتباطات و آموزش‌های علمی

شاید بتوان گفت از میان انقلاب‌های علمی که تاکنون اتفاق افتاده است، مهم‌ترین تحول بنیادی که بر مؤسسات آموزشی تأثیر شگرفی گذاشته و خواهد گذاشت پیشرفت کامپیوتر و فن‌آوری اطلاعاتی است (کمیسون آموزش و پرورش آمریکا، ۲۰۰۰).

یکی از پیامدهای پیشرفت‌های اقتصادی در جوامع مختلف رشد تکنولوژی فناوری اطلاعات و ارتباطات است. این فناوری‌ها در زمینه‌های آموزشی تأثیرات شگرفی داشته‌اند از جمله آموزش‌های مجازی و الکترونیکی که در کشور ما هم به وضوح دیده می‌شود. آموزش الکترونیک، آموزش مبتنی بر فناوری ارتباطات و اطلاعات است که گستره وسیعی از کاربردها، از جمله آموزش مبتنی بر وب، آموزش مبتنی بر کامپیوتر و کلاس‌های مجازی را در بر می‌گیرد. آموزش الکترونیکی تصویری از تکامل آموزش‌های شرکتی و شخصی در مقایسه با آموزش سنتی است، همچنان که تجارت الکترونیکی شکل توسعه‌یافته تجارت در مقایسه با تجارت سنتی است. این نظام آموزشی، به دلیل داشتن امتیازات زیاد می‌تواند ضرورت اجتناب‌ناپذیر و یک راه حل منطقی در راستای اهداف آموزش و پرورش کشور ایران باشد. اهم امتیازات این نظام آموزشی منطبق با اهداف علمی و آموزشی کشور ما عبارت هستند از:

- ۱- ارتقای سریع و مؤثر دانش آموزان با توجه به نوع فعالیت آن‌ها
 - ۲- افزایش کارایی نیروی انسانی همگام با فناوری روز
 - ۳- هزینه کمتر برای آموزش
 - ۴- متناسب کردن آموزش با دنیای کار و پیدایش شغل
 - ۵- در دسترس بودن اطلاعات زیاد و کمک به رشد تحقیقات علمی، پژوهشی و تفکر خلاق
 - ۶- استفاده از فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی و گسترش روابط میان فردی و گروهی در دنیای مجازی و یادگیری زبان‌های علمی و بین‌المللی
 - ۷- کمک به کاهش آلودگی‌های زیست محیطی از طریق آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان و کاهش رفت و آمد مدرسان و دانش‌آموزان
 - ۸- هزینه کمتر با پایایی بیشتر برای آموزش
 - ۹- آموزش با راندمان مشخص
 - ۱۰- نمونه‌سازی اساتید و افزایش دسترسی به آن‌ها
 - ۱۱- داشتن ارتباط بیشتر با دانش‌آموزان و کنترل بهتر دانش‌پژوهان
 - ۱۲- فراهم شدن امکانات کارگروهی در محیط‌های چند رسانه‌ای و کنفرانس‌های الکترونیکی
 - ۱۳- ایجاد بستر مناسب برای اجرای طرح‌های آموزشی سفارشی
 - ۱۴- قابل استفاده بودن در تمام ساعات و روزها
 - ۱۵- کیفیت و پیوستگی آموزشی
 - ۱۶- قابل ارزیابی بودن نتایج آموزشی با روش‌های ساده‌تر
 - ۱۷- پوشش مکانی و زمانی مناسب برای پاسخگویی به خیل عظیم متقاضیان آموزش
 - ۱۸- با استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، دانش‌آموز خود جریانی یادگیری و تحصیل علم روز را در دست می‌گیرد
- در واقع اتخاذ سیاست آموزش الکترونیکی یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت است؛ و اقتضای ساختار حاکم بر نظام آموزشی جهانی حکم می‌کند که هر چه سریع‌تر راهکارهای دستیابی و پیاده‌سازی آموزش‌های الکترونیکی در جامعه ما بر اساس شرایط اقتصادی،

اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در اسرع وقت بررسی و اجرا شود (عالی، ۱۳۸۲).

به‌کارگیری فناوری‌هایی همچون کامپیوتر، ماهواره و سیستم‌های اطلاع‌رسانی دیگری همانند اینترنت در آموزش و پرورش، امکان تغییر آموزش یک‌سویه را فراهم کرد. بهره‌گیری از رایانه و سیستم‌های اطلاع‌رسانی جدید این امکان را به وجود آوردند که مدرسان به جای تلاش در عرضه یک‌سویه محتوا و مواد درسی، بیشتر به تعامل با شاگردان اقدام می‌کنند که نتیجه آن، بهبود یادگیری دانش‌آموزان خواهد بود (شکوری، ۱۳۸۹).

فناوری‌های دیجیتالی دانش‌آموزان را فعال‌تر می‌کند و آن‌ها را به یادگیرندگان مستقلی تبدیل می‌کند. اینترنت جوامع تولید دانش می‌کند که در آن دانش‌آموزان سراسر جهان از یکدیگر یاد می‌گیرند. رایانه‌ها به دانش‌آموزان اجازه خواهند داد تا یادگیری خود را با روش‌های اکتشاف مستقیم، شرح و بیان و تجربه عهده‌دار شوند (نگروپونت و همکاران، ۱۹۹۷، ص ۱، به نقل از زمانی، ۱۳۸۳). «با امکانات بسیار زیادی که فن آوری اطلاعاتی و ارتباطی برای یاددهی یادگیری فراهم آورده است، ماهیت آموزش و پرورش را به طور بنیادی تغییر داده است» (بیر، ۲۰۰۲، ص ۶۳).

با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژی و تولید فناوری‌ها و وسایل ارتباط جمعی و استفاده بهینه از آن‌ها در آموزش که مزایای زیادی را در پی دارد می‌توان گفت که مطالب فوق مرتبط و متناسب با اهداف شماره ۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷ علمی و آموزشی مقطع متوسطه؛ از جمله آشنایی با یک زبان خارجی برای ارتباط با دیگران، مهارت استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی برای کسب اطلاعات صحیح، کسب مهارت‌های لازم برای زندگی و کار و تحصیلات بالاتر، به خدمت گرفتن فناوری‌های مناسب در علوم و انجام دادن کارها، انتخاب شغل با توجه به توانایی‌های خود و نیاز جامعه، هدایت یادگیری خود و آشنایی عملی با روش‌های پژوهش، تفکر و مباحثه است.

۴- گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و توجه به ارتباط بین تحصیل با شرایط واقعی

دنیای کار

در زمینه جهانی شدن، از آنجا که رقابت بین کشورها افزایش یافته و اهداف بازار بیش از سایر جنبه‌ها بر زندگی و همچنین بر آموزش و پرورش تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، تأکید بر

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با بازار کار و نیازهای شغلی جامعه در رأس برنامه‌ها و اهداف آموزش و پرورش کشور قرار می‌گیرد. پیروی از اصل فوق، متضمن اصلاحاتی اساسی در زمینه تربیت استادکاران، محتوای دروس، استمداد از روش‌های نوین آموزشی و تجهیزات مدارس فنی و حرفه‌ای به وسایل و ابزار مدرن حرفه‌آموزشی است.

تجربه انگلستان نشان داده است، این معنی تحقق نمی‌یابد؛ مگر این که صاحبان سرمایه و صنایع سخاوتمندانه در ایجاد و اداره مدارس فنی و حرفه‌ای و کانون‌های کار آموزشی برای دانشجویان و دانش‌آموزان دوره متوسطه و تجهیز این مؤسسات به وسایل مدرن و اعزام استادکاران و متخصصان به کانون‌های آموزش حرفه‌ای، دولت و نهاد آموزش و پرورش را یاری دهند (بریتانیای بزرگ، ۲۰۰۰).

در کشور ما نیز اگر بخواهیم شرایطی ایجاد کنیم تا ارتباط میان دنیای تحصیل را با شرایط واقعی محیط کار به‌ویژه از طریق آموزش‌های حرفه‌ای حفظ کنیم، لازم است از طریق رسانه‌های گروهی و با برقراری جلسات گفت و شنود با کارشناسان، جامعه را نسبت به اهمیت و جایگاه به حق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بالندگی صنعتی و اقتصادی آگاه سازیم و از تدابیری که در پرتو آن می‌توان پیوندی استوار میان دنیای تحصیل و محیط کار برقرار کرد، سخن به میان آوریم، تا بدین سان اذهان بسیاری از افراد، درباره آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اصلاح شود. سپس بر اساس تصویب قوانین، فقط به افرادی مجوز و پروانه کار، به‌ویژه در مشاغل فنی، تولیدی و صنعتی داده شود که دوره‌های ویژه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سطوح مورد نیاز را گذرانده و گواهی صلاحیت حرفه‌ای و شغلی را دریافت کرده باشند.

نظر به این که هرگونه اقدامات نوجویانه و نوظلبنانه، به‌ویژه در بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مستلزم مخارج هنگفتی است، لازم است دولت، از طریق فراهم کردن ضمانت‌های قانونی، از همکاری صاحبان صنایع و حرف در این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها از جمله: احداث مدارس فنی و حرفه‌ای، تأمین هزینه تجهیزات و ادوات لازم، ایجاد کانون‌های کارورزی در جوار مراکز تولیدی و کارخانجات، تشویق و حمایت کند.

اگر مهم‌ترین مسئولیت و وظیفه کانون‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای اعم از هنرستان‌ها، مدارس حرفه‌ای، دانشکده‌های فنی را تأمین نیروی انسانی متخصص و ماهر مورد نیاز بخش

صنایع و اقتصاد کشور بدانیم، این امر در شرایط فعلی، به دلیل فقدان توجه کافی این مؤسسات آموزشی به نحوه تدوین صحیح اهداف آموزشی در ارتباط با نیازهای بخش بازار کار و نیز به لحاظ جدایی دنیای تحصیل از محیط‌های واقعی کار، تحقق عملی نیافته است و در نتیجه بخش صنایع و مراکز تولیدی و اصولاً بازار کار از نظر تأمین نیروی انسانی مورد نیاز با مشکلات جدیدی مواجه است و این واقعیت، آسیب‌های زیادی را به توسعه و بالندگی صنعتی و اقتصادی کشور وارد کرده است (آقازاده، ۱۳۸۴).... فقدان آمادگی آشکار برای ورود به بازار کار، فقدان توانایی پاسخگویی به نیازها و نبودن پتانسیل یکپارچه شدن نظام‌های آموزشی، تحصیلات ناموزون با نیازهای بازار و افزایش نابرابری‌های اجتماعی و... از جمله مواردی هستند که از نظر طرفداران جهانی شدن، ضرورت جهانی شدن تعلیم و تربیت را نمایان می‌کند (آتون، ۱۹۹۶).

با توجه به پیشرفت‌های صنعت و تکنولوژی و ایجاد رقابت در بین کشورها در تصرف بازار، ضرورت هماهنگی هر چه بیشتر بین آموزش و نیازهای واقعی بازار کار که بیشتر در حوزه فنی و حرفه‌ای نمود دارد، می‌توان گفت که مطالب فوق مرتبط و متناسب با اهداف شماره ۱۱-۱۰-۹-۲ علمی و آموزشی مقطع متوسطه از جمله داشتن اطلاعات کافی در حوزه‌های مختلف علوم طبیعی، اجتماعی، انسانی و استفاده از آن‌ها در زندگی، کسب مهارت‌های لازم برای زندگی و کار و تحصیلات بالاتر، به خدمت گرفتن فناوری‌های مناسب در علوم و انجام دادن کارها و انتخاب شغل با توجه به توانایی‌های خود و نیاز جامعه است.

۵- جهانی شدن اقتصادی افزایش ارتباطات و آموزش زبان

جهان امروز از کشورهای متعدد و گوناگونی تشکیل شده است که هر یک به سبب تاریخ خاص خود از فرهنگ و زبان متفاوتی بهره‌مند و این تنوع و گوناگونی، گاهی امکان زندگی مشترک انسان‌ها در کنار یکدیگر را دشوار می‌کند؛ چرا که زبان صرفاً ابزاری برای برقراری ارتباط نیست، بلکه جهان بینی افراد، قوه تخیل آن‌ها و روش انتقال دانش را بیان می‌کند (یونسکو، ۱۳۷۹).

در سطح اقتصادی، فرایند جهانی شدن از طریق افزایش میزان تجارت باعث افزایش ارتباطات و تبادلات فرهنگی شده و عام‌گرایی را باعث شده است. این ارتباطات می‌تواند

به دنبال خود ابزارهای ارتباطی مثل زبان را دگرگون کند و زبان خاصی را در روابط تجاری رواج دهد و در این بین، زبانی رواج پیدا می‌کند که بیشتر در داد و ستدهای اقتصادی و تجاری کاربرد داشته باشد که همان زبان انگلیسی است (نادری بنی، ۱۳۸۶). عامل اقتصاد می‌تواند یکی از عوامل تشدیدکننده سلطه زبان‌های انگلیسی و فرانسه باشد. همچنین پیدایش شبکه‌های اقتصاد جهانی و منطقه‌ای و از میان رفتن مرزهای ملی موجب شده است که این زبان‌ها به شکل زبان‌های بین‌المللی و جهانی در بیابند (جاویدی، ۱۳۸۲). امروزه، کسب مهارت‌های مربوط به یک یا چند زبان خارجی به وسیله شهروندان کشورهای مختلف، پیش شرط لازم برای مشارکت همه جانبه در جامعه بین‌المللی و استفاده از فرصت‌های آن است (ارودیک، ۲۰۰۱). از آنجا که در راستای جهانی شدن ارتباطات بین کشورها در زمینه‌های مختلف افزایش می‌یابد داشتن یک زبان مشترک برای تمامی کشورهای مختلف جهان به‌عنوان زبان دوم ضرورت می‌یابد و آموزش و پرورش کشور ایران باید بر آموزش زبان انگلیسی در کنار زبان فارسی تأکید بیشتری کند. هر چند، جهت از بین نرفتن و تقویت زبان‌های بومی نیز باید کوشید، بنابراین باید بر آموزش زبان (اعم از زبان بومی و انگلیسی) به طور کلی تأکید بیشتری شود. زیرا تأکید نکردن بر زبان‌های بومی موجب استفاده انحصاری از زبان انگلیسی در دراز مدت می‌شود که باعث غرور فرهنگی و تحمیل یک فرهنگ بیگانه (حتی اگر غیر عمد باشد) خواهد شد (هینکلیف، ۲۰۰۰).

با توجه به روند جهانی شدن اقتصادی و افزایش ارتباطات تجاری و شکل‌گیری شبکه‌های اقتصادی جهانی و بین‌المللی و اهمیت نقش زبان در این ارتباطات می‌توان گفت، که مطالب فوق مرتبط و متناسب با اهداف شماره ۸-۷-۴ علمی و آموزشی مقطع متوسطه از جمله آشنایی کافی و کاربردی با آیین نگارش فارسی، آشنایی با یک زبان خارجی برای ارتباط با دیگران و مهارت استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی برای کسب اطلاعات صحیح می‌باشد.

۶- مشارکت بخش خصوصی و مردم در تأمین اعتبارات مالی و امکانات مورد نیاز اصلاحات آموزش و پرورش

چارلتون (۲۰۰۶) از تقسیم کار نوین دانش در سطح بین‌الملل در شرایط نوین صحبت می‌کند. از این منظر، جهانی شدن یک جنبه از پدیده وسیع تری از مدرنیزاسیون است. بنابراین،



خواه ناخواه پیامدهای مشابه خاصی را در قلمروهای مختلف از جمله آموزش مطرح می‌کند که در چارچوب تخصصی شدن و استاندارد سازی قابل بحث هستند (چارلتون، ۲۰۰۶، ص ۸۷۲).
مؤسسات آموزشی باید درصدد باشند از کلیه امکانات بخش خصوصی برخوردار شوند و مراکز تولیدی، صنعتی و خدماتی که از محصول علمی و انسانی مؤسسات آموزشی و مراکز تحقیقاتی استفاده می‌کنند، مؤظف هستند قسمتی از هزینه‌هایی را تأمین کنند که قانون میزان آن را مشخص می‌کند (هومل، ۱۹۹۸).

بحث اصلی خصوصی سازی تحصیل در شرایط جهانی شدن، این است که با توجه به افزایش تقاضاهای آتی، بسیاری از کشورها نمی‌توانند از منابع مالی عمومی هزینه توسعه آموزش دوره‌های متوسطه را بپردازند. بنابراین، برای توسعه آموزشی مقطع متوسطه، کشورهای در حال توسعه باید برای تأمین مالی بخشی از هزینه‌های تعلیم و تربیت به صورت خصوصی، به خانواده‌ها و بخش خصوصی متکی شوند (بانک جهانی، ۱۹۹۵).

همکاری واقعی و بارور بخش‌های دولتی و خصوصی هنگامی می‌تواند جامعه عمل به خود گیرد، که فلسفه آن بر همه روشن شود. طرفین به سودمند بودن آن اعتقاد یابند و با آگاهی کامل نسبت به منافع عینی و قانونی مشترکی که از آن خواهند برد، در راستای آن گام بردارند و سرانجام طرق عملی و اجرایی آن را با توجه به هدف‌های مشترک بر محملی قانونی استوار کنند. در کشور ایران نیز باید این ارتباط بین بخش خصوصی و متولیان آموزش انجام شود، تا بتوانند نیازهای واقعی همدیگر را چه در تولید علم متناسب بخش خصوصی و چه در حمایت‌های مالی از نظام آموزشی برآورده کنند. نطق و اندرز و موعظه یا احساسات تنها کافی نیست و شاید به همین دلیل تلاش‌هایی که در سال‌های اخیر، به‌ویژه در ارتباط طرح اصلاحی نظام متوسطه جدید به طور پراکنده در کشور ما انجام شده است، یا بی‌نتیجه مانده یا نتوانسته است پایه‌های جدید و استواری را برای ایجاد یک همکاری منظم و اصولی بین بخش خصوصی و بخش عمومی برقرار کند. بخش خصوصی در کشور ما با دیدی به اصطلاح بازاری که به منافع کوتاه مدت خویش توجه دارد و به مسائل و منافع دراز مدت خود و جامعه نمی‌نگرند، عمل کرده است.

بسیاری از صاحبان صنایع و حرف که به کارهای بزرگ صنعتی و اقتصادی در کشورمان مشغولند، هنوز به خوبی به این حقیقت مسلم پی نبرده‌اند که با پیشرفت زمان امکان موفقیت و

پیشرفت کار آن‌ها دیگر با روش‌ها و سبک‌های گذشته میسر نیست. به‌ویژه آنانی که اداره واحدهای مهمتری را بر عهده دارند، می‌دانند که پیشرفت آینده آن‌ها تنها در صورتی میسر است که هر چه زودتر خود را با زمان آینده منطبق کنند. امروزه دیگر با پیشرفت فنون و تکنولوژی امکان نخواهد داشت که نیازمندی‌های دراز مدت خود را از راه تربیت و پرورش فراگیران ساده و فاقد شایستگی‌های حرفه‌ای تأمین کنند، بلکه باید نیروهای انسانی ماهر و آزموده مورد نیاز را طبق برنامه‌های دقیق و معین و از قبل در بخش‌های آموزشی آماده و مجهز کنند تا از ضعف در تولید کالا و فرآورده‌های صنعتی در زمینه رقابتی با خارج از کشور بکاهدند (آقازاده، ۱۳۸۴).

با توجه به شرایط جهانی شدن و تقاضاهای زیادی که در زمینه آموزش می‌شود و همچنین رشد صنعت و فناوری، نیاز به نیروهای ماهر و آموزش دیده و عدم توانایی دولت‌ها در اختصاص بودجه کافی به تربیت و آموزش این نیروها و لزوم همکاری بخش خصوصی و حرف با دولت‌ها در این خصوص، می‌توان گفت که مطالب فوق مرتبط و متناسب با اهداف شماره ۱۱-۱۰-۹-۸-۲ علمی و آموزشی مقطع متوسطه از جمله داشتن اطلاعات کافی در حوزه‌های مختلف علوم طبیعی، اجتماعی، انسانی و استفاده از آن‌ها در زندگی، مهارت استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی برای کسب اطلاعات صحیح، کسب مهارت‌های لازم برای زندگی و کار و تحصیلات بالاتر، به خدمت گرفتن فناوری‌های مناسب در علوم و انجام دادن کارها و انتخاب شغل با توجه به توانایی‌های خود و نیاز جامعه است.

۷- جهانی شدن اقتصاد، فرآیند یادگیری دانش و کاربرد آن در جامعه

امروزه در جهت پیشرفت اقتصادی کشور باید بتوان از حداکثر توان و پتانسیل دانش، بهره کافی را برد. برای این منظور جذب فناوری‌های نوین اطلاعاتی و دانش علمی - که دائماً در حال تحول و تکامل است - لزوم انطباق‌پذیری فراگیران از یک طرف و میل به یادگیری فراگیر، که نظام‌های آموزشی باید آن را ایجاد کنند - از طرف دیگر را می‌طلبد. در حال حاضر، جمع‌آوری اطلاعات از ایجاد یک جامعه در حال یادگیری به مراتب، اهمیت کمتری دارد. بنابراین، آموزش و پرورش باید افرادی را تربیت کند که توانایی یادگیری توسط خود را دارا باشند و یاد گرفته باشند که چگونه یاد بگیرند. از این رو، باید بتواند تعادل لازم را بین دانش

نظری و انتقال آن به جامعه از یک طرف و کاربرد این دانش را به وسیله افراد دریافتی خاص، از طرف دیگر برقرار کند. ناتوانی نظام سنتی آموزشی در پاسخگویی به نیازهای فراگیران، به خاطر شکافی است که بین دانش نظری و کاربرد آن در زندگی و ایجاد کار وجود دارد. در واقع، اگر بتوان بین این دو هماهنگی برقرار کرد، در سال‌های آینده، شاهد تجدید سازمانی خواهیم بود که در آن، بخشی از وقت یادگیری هر فراگیر در محیط‌های کاری خواهد گذشت و مشکلات مدیریتی و تشکیلاتی ناشی از آن نیز از بین خواهد رفت. امروزه، تمیز دادن فرآیند یادگیری و کاربرد آن در جامعه غیر ممکن شده است، زیرا کشفیات علمی و کاربردهای عملی آن‌ها با سرعت فزاینده‌ای به دنبال یکدیگر می‌آیند. از این رو، نظام تعلیم و تربیت و مدارس، نباید هر فرد را در معرض یک تخصص قرار دهند، بلکه باید این توانمندی را در او ایجاد کنند که بتواند در خلال عمر خود به تغییر در تخصص‌های خود بپردازد و خویش را با تغییرات اقتصادی، اجتماعی انطباق دهد (محمد نژاد، ۱۳۸۳).

می‌توان گفت که مطالب فوق مرتبط و متناسب با اهداف شماره ۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱ علمی و آموزشی مقطع متوسطه از جمله داشتن اطلاعات کافی در حوزه‌های مختلف علوم طبیعی، اجتماعی، انسانی و استفاده از آن‌ها در زندگی، مهارت استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی برای کسب اطلاعات صحیح، کسب مهارت‌های لازم برای زندگی و کار و تحصیلات بالاتر، به خدمت گرفتن فناوری‌های مناسب در علوم و انجام دادن کارها، انتخاب شغل با توجه به توانایی‌های خود و نیاز جامعه و هدایت یادگیری خود است.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه بحث جهانی شدن که بیشتر یک موضوع اقتصادی است، برای جوامع در حال توسعه و اقتصادی نیمه پویا، به بروز چالش‌هایی منجر شده است. این شرایط در تمامی ارکان جامعه تأثیرگذار است از جمله؛ برای آموزش و پرورش و نظام تعلیم و تربیت، مسائل جدیدی از قبیل تغییرات سریع برنامه‌ها، بازسازی برنامه‌ها، انتقال انبوه دانش‌های قدیم و جدید، مسائل مدیریت و سازماندهی را به وجود آورده است. این مسائل در کشور ایران و آموزش و پرورش آن در بعضی مواقع همگام با پیشرفت جهانی از جمله تغییر سریع در برنامه‌ها و به جای تکیه بر روش‌های سنتی حافظه پرور، به روش‌های پژوهش به‌داده شد، ولی در مسائلی مثل

مدیریت و سامان‌دهی، هنوز تمرکزگرایی وجود دارد و نگاه به تفاوت‌ها در برنامه‌ریزی‌ها کمتر مشاهده می‌شود.

همچنین در رویکرد جدید با توجه به رشد اقتصادی، در یادگیری و آموزش انقلابی رخ داد و فناوری‌های نوین و رسانه‌هایی چون تلویزیون، رادیو، کامپیوتر، اینترنت از طریق آموزش از راه دور، بر جریان اطلاعاتی کنترل و نظارت دارند. اندیشمندان تعلیم و تربیت معتقدند که هنر آموزش زمانی شکوفا و پویا خواهد شد که یک ابزار بیانی و رساندن پیام برای نیل به هدف‌های آموزشی در اختیار معلمان باشد.

یکی از پیامدهای پیشرفت‌های اقتصادی در جوامع مختلف، رشد تکنولوژی فناوری اطلاعات و ارتباطات است. این فناوری‌ها در زمینه‌های آموزشی تأثیرات شگرفی داشته‌اند از جمله؛ آموزش‌های مجازی و الکترونیکی که در کشور ما هم به وضوح دیده می‌شود. آموزش الکترونیک، آموزش مبتنی بر فناوری ارتباطات و اطلاعات است که گستره وسیعی از کاربردها، از جمله آموزش مبتنی بر وب، آموزش مبتنی بر کامپیوتر و کلاس‌های مجازی را در بر می‌گیرد. آموزش الکترونیکی تصویری از تکامل آموزش‌های مشارکتی و شخصی در مقایسه با آموزش سنتی است. این نظام آموزشی به دلیل داشتن امتیازات زیاد می‌تواند ضرورت اجتناب‌ناپذیر و یک راه حل منطقی در راستای اهداف آموزش و پرورش کشور ایران باشد. هر چند که در کشور ایران و آموزش و پرورش آن تا حدودی از این امر به‌عنوان یک فرصت در فضای تعلیم و تربیت استفاده شد، ولی از آن استفاده بهینه نشد. طوری که با داشتن این فناوری‌ها و وسایل ارتباط جمعی در بیشتر مواقع نحوه کاربرد آن‌ها را ندانستند یا خوب آموزش داده نشد، یا اینکه نسبت به شرایط جهانی درجه پایینی بودند. از جمله اینکه وسایل کمک آموزشی موجود در مدارس ایران به خاطر قدیمی بودن قابل استفاده نیست. بهتر است هم از امکانات به روز استفاده شود و هم نحوه استفاده از آن‌ها به مربیان و دانش‌آموزان آموزش داده شود تا به‌عنوان یک فرصت قلمداد شوند.

یکی دیگر از پیامدهای جهانی شدن اقتصاد در رابطه با اهداف آموزشی کشور ما، تأکید بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با بازار کار و نیازهای شغلی جامعه است. طرفداران جهانی شدن تعلیم و تربیت با طرح این نکات که مدارس ما باعث ناکامی فرزندانمان می‌شود و فارغ‌التحصیلان مدارس مهارت‌های لازم را برای ایجاد شغل و کار ندارند و ایجاد کار برای

فرد دارای تخصص بالا مشکل است، بر این راهکار تأکید می‌کنند که تعلیم و تربیت عمومی باید اهدافی را از جمله؛ راهیابی بازار کار به قلب و ذهن دانش‌آموزان، بستن قراردادهای پر سود در رابطه با تعلیم و تربیت و تبدیل مدارس به مراکز آموزشی است که نیروی کار مناسب با نیاز شرکت‌های فراملی تولید کنند.

بنابراین، در نظام تعلیم و تربیت ما باید شرایطی ایجاد کنیم تا ارتباط بین دنیای تحصیل را با شرایط واقعی محیط کار به‌ویژه از طریق آموزش‌های حرفه‌ای حفظ کنیم، لازم است از طریق رسانه‌های گروهی و با برقراری جلسات گفت و شنود با کارشناسان، جامعه را نسبت به اهمیت و جایگاه به حق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بالندگی صنعتی و اقتصادی آگاه کنیم. همچنین صاحبان سرمایه و صنایع، به خاطر ارتباط متقابل صنعت، بازار کار و آموزش در ایجاد و اداره مدارس فنی و حرفه‌ای و کانون‌های کار آموزشی برای دانشجویان و دانش‌آموزان دوره متوسطه و تجهیز این مؤسسات به وسایل مدرن و اعزام استادکاران و متخصصان به کانون‌های آموزش حرفه‌ای، دولت و نهاد آموزش و پرورش را یاری دهند.

در کل می‌توان گفت بعد اقتصادی جهانی شدن با گسترش دیدگاه‌های نئولیبرالیسمی باعث خصوصی سازی مدارس و قطع هزینه‌های عمومی در جهت تجهیز مدارس و باعث خودگردانی اقتصادی مدارس و نهایتاً آموزش و پرورش می‌شود. تربیت افرادی که بتوانند به دنبال سود فردی خود باشند، محوریت می‌یابد و در همین راستا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. با توجه به این پیامد جهانی شدن اقتصاد برای آموزش و پرورش، در آموزش و پرورش کشور ایران در این زمینه هم ضعف وجود دارد و هم قوت. از آنجایی که در شرایط حاضر باید بین کار و آموزش‌های رسمی تناسب و تعادل برقرار باشد، در ایران اکثریت دانش‌آموزان متوسطه در دبیرستان‌های نظری مشغول به تحصیل هستند که هیچ‌گونه آموزشی متناسب با محیط کار داده نمی‌شود و درصد پایینی در مراکز فنی و حرفه‌ای و هنرستان‌ها مشغول به تحصیل هستند. ضمن اینکه به‌همین تعداد کم هم به صورت برنامه‌ریزی شده و نیاز واقعی بازار کار آموزش کافی داده نمی‌شوند.

اما در مرحله عملیاتی کردن اهداف فوق، هنوز آموزش و پرورش ما در ابتدای راه است مثلاً در عملی کردن هدفی مثل، کسب مهارت‌های لازم برای زندگی و کار و تحصیلات بالاتر نظام تعلیم و تربیت ما در برقراری ارتباط میان سیستم آموزشی با محیط بیرون و کار و صنعت،

جز در موارد کمی از جمله؛ تأسیس مدارس فنی و حرفه‌ای، در زمینه‌های دیگر مثل شناخت کافی از بازار کار، صنعت و تجارت و هماهنگ کردن علوم آموزشی با آن‌ها و در آخر جلب صاحبان صنعت و سرمایه در پشتیبانی و عملیاتی کردن این هدف موفق نبوده است، بخش خصوصی در کشور ما با دیدی به اصطلاح بازاری، که به منافع کوتاه مدت خویش توجه دارد و به مسائل و منافع دراز مدت خود و جامعه نمی‌نگرند، عمل کرده است.

هدف دیگری از اهداف مقطع متوسطه که جهانی شدن اقتصاد بر آن تأثیر می‌گذارد، زبان و انتشار آن به عنوان یک عامل در تجارت بین‌المللی است. پیدایش شبکه‌های اقتصاد جهانی و منطقه‌ای و از میان رفتن مرزهای ملی موجب شده است که زبان‌ها به شکل زبان‌های بین‌المللی و جهانی در بیایند، اما این کشورهای صنعتی هستند که با توجه به پیشرفت‌های تجاری می‌توانند روابط گسترده داشته باشند و به تبع آن نیز زبان خود را ترویج دهند، ولی از آنجا که سهم ما در تجارت و صنعت بین‌المللی خیلی کم است، ناگزیر ارتباطات ما هم کم می‌شود و به تبع آن نه زبان ما در سطح بین‌المللی نمود خاصی پیدا می‌کند و نه در آموزش زبان‌های دیگر موفقیت‌های لازم را کسب می‌کنیم، مگر اینکه ما با رشد تجارت بین‌المللی، بتوانیم در این عرصه موفق شویم. در این مورد، آموزش و پرورش ایران با توجه به اهدافی که دارد، بالاخص در زمینه یادگیری زبان ملی و خارجی باید به فرصت‌ها و تهدیدها در این خصوص دقت کافی را داشته باشد. از آنجا که خواسته یا ناخواسته، جهانی شدن اقتصاد می‌تواند فرهنگ جوامع ضعیف‌تر را تحت تأثیر قرار دهد و با توجه به اینکه شرکت‌های بین‌المللی، رسانه‌های ارتباط جمعی و حجم بالای تجارت جهانی در اختیار چند کشور محدود است، باعث به حاشیه رفتن یا کم رنگ شدن فرهنگ و زبان کشورهای کمتر توسعه‌یافته می‌شود. به همین دلیل کشور ایران باید ضمن اشاعه زبان خود در سطح ملی و بین‌المللی از طریق رشد اقتصادی و کسب سهم بیشتری از تجارت بین‌المللی و جذب توریسم، زبان‌های بین‌المللی را نیز در جهت توسعه خود فراگیرد.

استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و استفاده از آن در کسب علوم، اطلاعات صحیح و کارها، هدف آموزشی دیگری است که مستقیماً با عامل پیشرفت‌های اقتصادی ارتباط دارد. در آموزش و پرورش کشور ما با توجه به ضعف‌های اقتصادی که وجود دارد، نتوانستیم از تمام پتانسیل این فناوری در جهت اهداف آموزشی خود بهره لازم را ببریم. مواردی مثل



پهنای باند کم اینترنت در کشور و سیستم آموزشی در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته و بعضاً در حال توسعه، استفاده از وسایل کمک آموزشی قدیمی در سیستم آموزشی را، می‌توان نام برد درباره رابطه جهانی شدن و بیداری اسلامی می‌توان گفت، انقلاب اسلامی ایران که با مرجعیت دین و دینداری و با هدف اقامه عدل و عدالت اسلامی شکل گرفت، آغاز نهضت بیداری محسوب می‌شد و می‌توان از آن به «جهانی شدن معکوس» و «جریان معکوس سلطه جهانی» یاد کرد. رهبر این نهضت توانست در دوره اوج سکولاریزم در ایران، انقلابی را با محوریت اسلام و تنها با توان ملت بزرگ ایران به ثمر برساند. انقلاب اسلامی ایران بر خلاف هنجارهای شکل گرفته متکی بر اندیشه اروپا محوری و آمریکا مرکزی، به دنبال مرکزیت بخشیدن به «الله» و «قانون الهی» بود. ایران این هدف را در شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» به نمایش گذاشت. به هر حال تحولات منطقه نشان داد جهانی شدن در صورتی که سلطه‌گرایانه باشد و منافع کشورهای ضعیف‌تر در آن دیده نشود، برای این کشورها ضمن اینکه فرصت نیست در جاهایی می‌تواند تهدید هم باشد. تأکید بر اسلام، نقش گروه‌های روشنفکر اسلامی، پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات تونس و مصر، احیای دوباره اسلام سیاسی، افزایش فاصله طبقاتی و بیکاری در کشورهایی که اطاعت بی‌قید و شرط از دستورات بانک جهانی را سرلوحه کار خود قرار داده بودند، تأکید بر هویت اسلامی ملی و افزایش استکبار ستیزی همه نشان‌دهنده حرکت در مسیری غیر از فرآیند ترسیمی توسط صاحب‌نظران نظریه جهانی شدن است.

با توجه به طرح مباحثی چون رشد تکنولوژی و فناوری اطلاعات، تأکید بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، انتشار زبان بین‌المللی، به خدمت گرفتن فناوری‌های مناسب در علوم و انجام دادن کارها، مشارکت بیشتر بخش خصوصی، یادگیری بهتر دانش و کاربرد آن در جامعه، همچنین متناسب کردن کارکردهای نظام آموزشی و بازارکار، که متأثر از جهانی شدن اقتصادی هستند، می‌توان گفت هر چند اهداف تعلیم و تربیت به سمت یک نظام جهانی تعلیم و تربیت حرکت می‌کند و مزایایی در پی داشته باشد، ولی می‌تواند موجبات تضعیف ساختارها، اهداف و محتوای تعلیم و تربیت محلی و ملی را در کشور ایران فراهم کند و مرکزیت تصمیم‌گیری‌های آموزشی و تربیتی را به حالت فراملی و جهانی درآورد، که این خود زمینه‌ساز بعضی نابسامانی‌های آموزشی و تربیتی می‌شود. پس بهتر است که متولیان نظام آموزش و

پرورش ایران با هوشمندی لازم از فرصت‌هایی که جهانی شدن اقتصادی برای نظام تعلیم و تربیت به همراه دارد، استفاده بهینه را ببرد؛ ضمن اینکه همزمان سعی در کاهش تهدیدات داشته باشند. به طور کلی می‌توان گفت هدف کلی آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای تربیت انسان مطلوب متناسب با اهداف آن جامعه است و در آموزش و پرورش ایران باید سعی شود ضمن بهره‌مندی از فرصت‌های جهانی شدن و همگام شدن با آن، از پرورش انسان مطلوب متناسب با ارزش‌ها و فرهنگ خود فاصله نگیرد.

پیشنهادها

- ۱- توجه بیشتر به پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و تطبیقی در حوزه‌های مختلف جهانی شدن و آموزش و پرورش.
- ۲- در پژوهش‌های آینده هر کدام از حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جهانی شدن در ارتباط با آموزش و پرورش ایران می‌تواند محور پژوهش جداگانه‌ای قرار گیرد.
- ۳- با توجه به اینکه این پژوهش با تأکید بر اهداف علمی و آموزشی مقطع متوسطه انجام شد، پژوهش‌های آینده می‌تواند سایر جنبه‌های اهداف مقطع متوسطه را در برگیرد.
- ۴- در پژوهش‌های آینده همچنین می‌توان سایر مقاطع آموزشی را در ابعاد مختلف جهانی شدن بررسی کرد.
- ۵- نتایج پژوهش حاضر می‌تواند مورد توجه و استفاده مسئولان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش کشور، دانشجویان علوم تربیتی و علوم اجتماعی، دبیران مقطع متوسطه و دیگر علاقمندان به بحث جهانی شدن و تعلیم و تربیت قرار گیرد.

جدول ۱: پیامدهای جهانی شدن اقتصادی بر اهداف علمی، آموزشی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران

پیامدهای جهانی شدن اقتصادی بر اهداف علمی، آموزشی	شماره اهداف متناسب با آثار و پیامدها	اهداف علمی، آموزشی مقطع متوسطه متناسب با آثار و پیامدهای جهانی شدن اقتصادی
تغییر رویکردهای آموزشی با توجه به جهانی شدن اقتصادی	اهداف شماره ۱۳-۱۲-۱۰-۸-۷	داشتن اطلاعات کافی در حوزه‌های مختلف علوم طبیعی، اجتماعی، انسانی و استفاده از آن‌ها در زندگی، مهارت استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی برای کسب اطلاعات صحیح، به خدمت گرفتن فناوری‌های مناسب در علوم و انجام‌دادن کارها، هدایت یادگیری خود و آشنایی عملی با روش‌های پژوهش، تفکر و مباحثه

متناسب کردن کارکردهای نظام آموزشی و بازار کار	اهداف شماره ۱۱-۱۰-۹-۲	داشتن اطلاعات کافی در حوزه‌های مختلف علوم طبیعی، اجتماعی، انسانی و استفاده از آن‌ها در زندگی، کسب مهارت‌های لازم برای زندگی و کار و تحصیلات بالاتر، به خدمت گرفتن فناوری‌های مناسب در علوم و انجام دادن کارها و انتخاب شغل با توجه به توانایی‌های خود و نیاز جامعه
فناوری اطلاعات و ارتباطات و آموزش‌های علمی	اهداف شماره ۱۳-۱۲-۱۱-۷-۹-۱۰	آشنایی با یک زبان خارجی برای ارتباط با دیگران، مهارت استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی برای کسب اطلاعات صحیح، کسب مهارت‌های لازم برای زندگی و کار و تحصیلات بالاتر، به خدمت گرفتن فناوری‌های مناسب در علوم و انجام دادن کارها، انتخاب شغل با توجه به توانایی‌های خود و نیاز جامعه، هدایت یادگیری خود و آشنایی عملی با روش‌های پژوهش، تفکر و مباحثه
گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و توجه به ارتباط بین تحصیل با شرایط واقعی دنیای کار	اهداف شماره ۱۱-۱۰-۹-۲	داشتن اطلاعات کافی در حوزه‌های مختلف علوم طبیعی، اجتماعی، انسانی و استفاده از آن‌ها در زندگی، کسب مهارت‌های لازم برای زندگی و کار و تحصیلات بالاتر، به خدمت گرفتن فناوری‌های مناسب در علوم و انجام دادن کارها و انتخاب شغل با توجه به توانایی‌های خود و نیاز جامعه
جهانی شدن اقتصادی افزایش ارتباطات و آموزش زبان	اهداف شماره ۸-۷-۴	آشنایی کافی و کاربردی با آیین نگارش فارسی، آشنایی با یک زبان خارجی برای ارتباط با دیگران و مهارت استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی برای کسب اطلاعات صحیح
مشارکت بخش خصوصی و مردم در تأمین اعتبارات مالی و امکانات مورد نیاز اصلاحات آموزش و پرورش	اهداف شماره ۱۱-۱۰-۹-۲-۸-۹	داشتن اطلاعات کافی در حوزه‌های مختلف علوم طبیعی، اجتماعی، انسانی و استفاده از آن‌ها در زندگی، مهارت استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی برای کسب اطلاعات صحیح، کسب مهارت‌های لازم برای زندگی و کار و تحصیلات بالاتر، به خدمت گرفتن فناوری‌های مناسب در علوم و انجام دادن کارها و انتخاب شغل با توجه به توانایی‌های خود و نیاز جامعه
جهانی شدن اقتصاد، فرآیند یادگیری دانش و کاربرد آن در جامعه	اهداف شماره ۱۱-۱۲-۱۱-۹-۱-۸-۲	داشتن اطلاعات کافی در حوزه‌های مختلف علوم طبیعی، اجتماعی، انسانی و استفاده از آن‌ها در زندگی، مهارت استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی برای کسب اطلاعات صحیح، کسب مهارت‌های لازم برای زندگی و کار و تحصیلات بالاتر، به خدمت گرفتن فناوری‌های مناسب در علوم و انجام دادن کارها، انتخاب شغل با توجه به توانایی‌های خود و نیاز جامعه و هدایت یادگیری خود

منابع

- آقازاده، ا. (۱۳۸۴). اصول حاکم بر تحولات جهانی آموزش و پرورش. اولین همایش ملی جهانی شدن تعلیم و تربیت، تهران: وزارت خارجه.
- اخوان زنجانی، د. (۱۳۸۱). جهانی شدن و سیاست خارجی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- باقری، خ. (۱۳۸۵). جهانی شدن و تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: مجله رشد، آموزش معارف اسلامی، زمستان ۱۳۸۵، شماره ۴۷، صص ۱۲ - ۳.
- باومن، ز. (۱۳۷۹). جهانی شدن بعضی مردم، محل شدن بعضی دیگر. ترجمه دکتر فرهنگ ارشاد. مجله جامعه سالم، شماره ۳۷، صص ۵۶ - ۱۲.
- بهکیش، م. م. (۱۳۸۵). اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن. تهران: نی.
- توانا، م. (۱۳۸۴). نسبت جهانی شدن و تربیت دینی (فرصت‌ها و تهدیدها). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- جاویدی، ش. (۱۳۸۲). جهانی شدن و مرگ زبان‌ها. فصل‌نامه سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۹۴ و ۱۹۳، صص ۱۴۳ - ۱۳۶.
- جوادی، م. (۱۳۸۲). جهانی شدن و چالش‌های آن. مجموعه مقالات همایش جهانی شدن (بیم‌ها و امیدها)، قزوین: تربیت معلم شهید رجایی.
- جعفری، ا. (۱۳۸۵). جهانی شدن اقتصاد و جایگاه ایران. تهران: سیاست و پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۸۵، صص ۱۵۷ - ۱۳۹.
- حاجی یوسفی، م. (۱۳۸۱). جهانی شدن اقتصاد، بین‌المللی شدن دولت و همکاری در مورد جمهوری اسلامی ایران. مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۱، ص ۱۰۱.
- حسینی، ا. ا. (۱۳۸۴). جهانی شدن و نظام‌های نوین آموزشی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت، تهران: وزارت خارجه.
- خسروی، م. و ابراهیمی، ز. (۱۳۸۲). فن آوری آموزشی و جهانی شدن. مجموعه مقالات همایش جهانی شدن (بیم‌ها و امیدها)، قزوین: تربیت معلم شهید رجایی.

- دبیر خانه شورای عالی آموزش و پرورش ایران (۱۳۸۵). مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش. تهران: مدرسه.
- رابرتسون، ر. (۱۳۸۰). جهانی شدن (تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی). ترجمه کمال پولادی، تهران: ثالث.
- رحیمی، ع. و شکاری، ع. (۱۳۸۶). پیدا و پنهان جهانی شدن. تهران: اندیشه نوین.
- زارعی، ع. ع. (۱۳۸۲). جهانی شدن و تأثیر آن بر آموزش و پرورش. مجموعه مقالات همایش جهانی شدن (بیم‌ها و امیدها)، قزوین: تربیت معلم رجایی، حدیث امروز.
- زمانی، ب. ع. (۱۳۸۳). پدیده جهانی شدن با تبیین نقش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در آموزش‌های رسمی و غیر رسمی. مجموعه مقالات اولیست همایش ملی جهانی و تعلیم و تربیت، تهران: وزارت امور خارجه.
- سجادی، س. م. (۱۳۸۴). جهانی شدن تعلیم و تربیت، پیام‌ها و چالش‌ها. اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت، تهران: وزارت امور خارجه.
- سودرستن، ب. (۱۳۸۴). جهانی شدن و دولت رفاه. هرمز همایون‌پور، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی
- شکوری، ع. (۱۳۸۹). آموزش و جهانی شدن. نشریه برگ فرهنگ، بهار و تابستان ۱۳۸۹ شماره ۲۱، دوره جدید، صص ۷۶ - ۶۳
- صافی، ا. (۱۳۷۹). آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی، متوسطه. تهران: سمت.
- صبروی خسرو شاهی، ح. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر جهانی شدن بر آموزش و پرورش ایران. شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- عالی، م. (۱۳۸۲). تبیین و ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از پدیده جهانی شدن برای آموزش و پرورش ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- غلامپور، ع. (۱۳۸۴). جهانی شدن اقتصاد و نقش دولت در اقتصاد محیط زیست در کشورهای در حال توسعه: مطالعه موردی ایران. دانشگاه تهران: پایان نامه دکتری روابط بین‌الملل.
- فرمهبینی فراهانی، م. (۱۳۷۸). فرهنگ توصیفی علوم تربیتی. تهران: اسرار دانش.
- قاسمی، ع. ح. (۱۳۸۰). جهانی شدن، باید و نبایدها. سمینار جهانی شدن و اطلاع رسانی، مشهد: دانشگاه فردوسی.

- کاردان، ع. م. (۱۳۸۱). *سیر آراء تربیتی در غرب*. تهران: سمت.
- کازرونی، ع. ر. (۱۳۷۸). *جهانی شدن اقتصاد و راهبرد گسترش صادرات. اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال چهاردهم، شماره ۱۴۸-۱۴۷.
- کاستلز، م. (۱۳۸۰). *ظهور جامعه شبکه‌ای*. ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- کامل بهاء‌الدین، ح. (۱۳۸۳). *ملیت در جهان بی‌هویت (چالش‌های جهانی شدن)*. ترجمه حجت رسولی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کومسا، الف. (۱۳۷۸). *جهانی شدن و منطقه‌گرایی و تأثیر آن بر کشورهای در حال توسعه*. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۱۴۸ و ۱۴۷، آذر و دی ۱۳۷۸، صص ۱۸۹ - ۱۸۲.
- کیانی، داود (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر جهانی شدن*. *مجله اندیشه صادق*، شماره ۵، صص ۳۵ - ۲۸. کریمی، س. (۱۳۸۶). *بررسی و تحلیل پدیده جهانی شدن آموزش و پرورش و پیامدهای چالش برانگیز آن در آموزش و پرورش*. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- گوهری مقدم، ا. (۱۳۹۰). *جهانی شدن و تروریسم جدید: ارائه مدلی مفهومی*. *دانش سیاسی*، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۲۰۶ - ۱۷۷.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۸). *تجدد تشخیص*. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- لطف آبادی، ح. و نوروزی، و. (۱۳۸۳). *بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی*. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، شماره ۹، سال سوم، پائیز ۱۳۸۳.
- مالک، م. (۱۳۸۴). *جهانی شدن اقتصاد از رویا تا واقعیت*. تهران: کانون اندیشه جوان.
- محمد نژاد، ع. (۱۳۸۳). *نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش*. تهران: اندیشه نوین.
- مهر علی زاده، ی. ا. (۱۳۸۳). *جهانی‌سازی و نظام‌های آموزشی با تأکید بر کشور ایران*. اهواز: رسش.
- میرحسینی، ع. ا. (۱۳۸۳). *نیم‌نگاهی به رویکردهای جهانی تعلیم و تربیت*، *مجله تربیت دی* ۱۳۸۳، صص ۳۳ - ۲۱.

ناصری پور، م. (۱۳۸۵). تبیین تغییرات مورد نیاز در نظام آموزش و پرورش ایران در دوره ابتدایی در شرایط جهانی شدن در بعد فرهنگ. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم انسانی.

نادری بنی، ا. (۱۳۸۶). جهانی شدن و فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه مفید.

نصری، ق. (۱۳۸۰). در چستی جهانی شدن. فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۰، ص ۲۹۱.

نورانی، س. م. ر. (۱۳۷۹). جهانی شدن، کشورهای در حال توسعه و ایران. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی.

نهادن‌دیان، م. (۱۳۸۵). ما و جهانی شدن. تهران: مرکز ملی مطالعات جهانی شدن. واتر، م. (۱۳۷۹). جهانی شدن. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران: سازمان مدیریت صنعت.

یونسکو. م. (۱۳۷۶). آموزش و پرورش برای قرن ۲۱. گروه مترجمان، فصل‌نامه تعلیم و تربیت، تک نگاشت ۲۷.

یونسکو. (۱۳۶۶). چهلمین اجلاس کنفرانس تعلیم و تربیت. فصل‌نامه تعلیم و تربیت، شماره ۱ بهار ۱۳۶۶

یونسکو. ملبورن (۱۳۷۹). آموزش و پرورش برای قرن ۲۱. گروه مترجمان، فصل‌نامه تعلیم و تربیت، تک نگاشت ۲۷.

Adams , R. (2008). *Globalization and income inequality: Implications for intellectual property rights* , in: *Journal of Policy Modeling* , volum 30, Issue 5 ,September –October. pp 725-735.

Beare , H. (2002). *Creating the future school*. Routledg falmer , taylor & francis group.

Birkhead , C. (2003). *Globalization , Identity and Democracy: Mexico and Latin America*. *School Library Journal*, volom 24, pp:36 -45.

Burbach , R. (2009). *Golobalization and its discontents: the rise of postmodern socialism* , London: Pluto, PP: 14-15.

Carnoy , M. (1999). *Sustaining flexibility: work , family, and community in the information age*. New York: Russell Sage.

Charlton , G. Bruce. (2006). *Globalization in Science Education: an Inevitable and Beneficial Trend* , in: *Medical Hypotheses*.



- Cheng, Yin Chong. (2002). *Education in Hong Kong, Center for Research and International Collaboration*, [http://WWW.worlderform.com/intercom/Kedre &.htm](http://WWW.worlderform.com/intercom/Kedre&.htm).
- Cogh burn, D. (2003). *Globalization , know ledge, edvcation and training in the information age*. Available: www.unesco.org.
- Cohen , R. & Kenedy , P. (2000). *Global culture*. London , Routledge.
- Educational commission of America. (2000). *The power of Internet for Lerning moving from Promise to practice. Final report of the web – based Education commission to president and the course of USA*. WWW. Ed. Gov/offices/As/wbc/final report.
- Edwards , R. & Usher , R. (1997). *Final frontiers ? Globalization , pedagogy , and(dis)location*. *Curriculum Studies* , 5(3):253-268
- Eurydice. (2001). *foreign language teaching in schools in Europe*, Eurydice European unit, Belgium.
- Falk , R. (2002). *Monotheistic religions in the age of globalization*. London , Routledge.
- Grew, M. (1995). *The transformation of Democracy, Globalization and Territorial Democracy*. Cambridge.
- Great Britain. (2000). *Department of Education and Employment, Committee on Technical and Industrial Education*, London, pp. 12-17.
- Green , A. (1997). *Education, globalization and the nation state*. London:McMillan.
- Halak, J. (1998). *Globalization and education*. EP. News letter, April Juune. Vol. Xvi. NO. 20.
- Henry , M; Lingard, B. ;Rizvi , F & Taylor , S. (2001). *The OECD , Globalization , and Educational policy*. Unesco , Paris.
- Hommel. (1998). *charles, New Trends in Education process in Germany*, Hamburg, UIE, UNESCO, P, 16.
- Hinchcliff, J. (2000). *Cross-Roads of the New Millennium*. Proceedings of the Technological Education and National Development (TEND) Conference 2nd, April 8-10, 2000, Abu Dhabi, United Arab Emirates.
- Inglehart, R. (2000). *Globalization and postmodern values*. The center for Strategic and International Studies of the Massachusetts Institute of Technology.
- Kaul , I. (2007). *Global public goods: International cooperation in the 21st century* , London:oxford uni press , PP:65.
- lingard, B; Miriam, H; Fazal, R. & Sandra, T. (2000). *the OECD, Globalization and Education Policy*. Published for IAU, press , pergamon. p19.
- Marginson , S. (1999). *Afther globalization: Emerging politics of education*. WWW. Epdil. Jogs.
- Mills , M. (2009). *Globalization and Inequality*, in: Eur. Sociol. Rev, 25:1 – 8.
- Ottone. E. (1996). *Globalization and Educational chance: modernism and citizenship*. vol. XXXVI. NO. 2. p. 302.
- Rugman , A. M & Verbeke , K. (2010). *Global corporative strategy and trade policy*. London: Routledge , PP: 18 – 19.
- Salzano , M. (2003). *Globalization of the Italian School of Public Finance*. University of Salerno.
- Smith. D. (2000). *Globalization and education*. KLUWER. academic publishers.

- Smith, W. F. (1999). *leadership for Educational Revolution*, Phi Delta Kappa. & Sperling, M. (2001) ,*Globalization Versus Global Education* , <http://www.fdu.edu/newsub2/011003Sperling.html>.
- Stromquist , Nally , P. & Monkman , Karen ,Eds. (2000). *Oxford (England):Globalization and Education: Integration and contestation across cultures*. Rowman & Littlefield Publishers.
- Waters , M. (2010). *Globalization*. London and Newyork: Routlege, PP: 65 – 76.
- Walker,G. (2001). *Globalization and education*. International Baccalaureate organization.
- Wood,b. d. (2000). *The globalization question* , Europe,Pee. available on: www.wacsf.org/library/bib.Asilomar.1.htm.
- World Bank. (1995). *Strategies for education*. Washington , D. C. ;World Bank.

